

اطلاعیه پایانی پلنوم ۵۷ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری

صفحه ۲



بیانیه پلنوم ۵۷ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری

در مورد انقلاب زن زندگی آزادی، صفحه ۳

گسترش اعتراضات در نفت و دوشنبه های اعتراضی

شهلا دانشفر، صفحه ۴

به این جنگ فاجعه آمیز فوراً پایان دهید! صفحه ۵

کارگران و مردم ایران و جهان، طرف سوم جنگ حماس و دولت اسرائیل-مهران محبی

مهران محبی، صفحه ۷

من از طرف همه مردم غزه سخن می گویم

شهلا دانشفر، صفحه ۶

پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران به خانواده های دادخواه صفحه ۶

پیام پلنوم ۵۷ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری

به زنان ایران! زنانی که با به زیر پا انداختن حجاب و با بی حجابی سراسری، رژیم ضدزن اسلامی را بیش از هر زمانی مستاصل، و خامنه ای، رهبر درمانده آن را، درمانده تر کرده اند!، صفحه ۱۲

پیام پلنوم ۵۷ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری به زندانیان سیاسی و خانواده های آنها

صفحه ۱۵

تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی، فولاد، و کارگران شرکت نفت و گاز آغاچاری صفحه ۱۱

۲۴ مهر: تجمعات اعتراضی بازنشستگان مخابرات در هفده شهر

دوشنبه های اعتراض، صفحه ۱۴

تجمعات بازنشستگان کشوری در چند شهر و دو خبر دیگر

کشور را غارت کردند ما را بیچاره کردند، صفحه ۱۵

تجمع اعتراضی کارگران ارکان ثالث در پالایشگاه آبادان صفحه ۱۵

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۸۰۱

۲۴ مهر ۱۴۰۲

۱۶ اکتبر ۲۰۲۳



دوشنبه ها منتشر میشود

بازنشستگی زمانی برای

زندگی نه مُردن

یاشار سهندی، صفحه ۸

سه روز مهم اعتراضی در هفته

گذشته

روز جهانی مبارزه علیه اعدام

روز کودک و روز معلم

صفحه ۹

بشریت مترقی باید علیه هر

دو طرف جنگ به میدان

بیاید صفحه ۱۱

کارگران در هفته ای که

گذشت

سهیلا رضوانی، صفحه ۱۳

۲۴ مهر: تجمعات اعتراضی

کارگران رسمی نفت

صفحه ۱۲

برگرفته از مدیای

اجتماعی

صفحات ۱۵ و ۱۶

اطلاعیه پایانی پلنوم ۵۷ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری



پلنوم ۵۷ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران در روزهای ۱۴ تا ۱۶ مهر ۱۴۰۲ (۶ تا ۱۸ اکتبر ۲۰۲۳) با حضور اکثریت اعضای کمیته مرکزی و همینطور مشاورین و کادرهای حزب برگزار شد. در این پلنوم که بصورت آنلاین-ویدیویی برگزار شد اعضای حزب نیز دعوت شده بودند. پلنوم با پخش سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جانباختگان انقلاب جاری و به یاد منصور حکمت عزیز شروع شد و بعد از سه روز بحث و تبادل نظر و تصمیم گیری های لازم با موفقیت به کار خود پایان داد. نشست کمیته مرکزی این بار نیز مانند پلنوم ۵۶ بر انقلاب زن زندگی آزادی و همینطور بر موقعیت و نقش حزب کمونیست کارگری در این انقلاب متمرکز بود.

حمید تقوایی لیدر حزب سخنرانی افتتاحیه خود را با تراژدی آرمتا و آرزوی بهبودی برای او آغاز کرد و گفت شش روز است آرمتا با مرگ دست و پنجه نرم میکند و بیش از یکسال است کل جامعه در حال جنگ با حکومت مرگ و نیستی است و وظیفه حزب به فرجام رساندن این نبرد است. او در ادامه سخنانش بر نقش فعال حزب در انقلاب جاری اشاره کرد و گفت این تنها نشست رهبری یک حزب نیست، بلکه نشست دست اندرکاران و فعالین و نهادهائی است، که مانند تلویزیون کانال جدید، نقش پیشرو و موثری در انقلاب جاری ایفا میکنند. نهادها و فعالینی که مدتهاست برای خواستها و شعارهایی که امروز در جامعه فریاد زده میشود در عرصه های مختلف مبارزه کرده اند.

بدنبال تصویب آیین نامه و دستور جلسات کمیته مرکزی، اصغر کریمی رئیس هیئت اجرایی حزب گزارش فشرده ای از فعالیت حزب در داخل و خارج کشور ارائه داد. اصغر کریمی ضمن اشاره به مهمترین اتفاقات و نقطه عطف های انقلاب در هشت ماه فاصله بین دو پلنوم، نقش حزب و ارگان های مختلف آنرا در دل وقایع سیاسی این دوره در داخل و خارج کشور توضیح داد. هرچند در این دوره تظاهرات خیابانی فروکش کرده اما علاوه بر بیحجابی میلیونی که جلوه مهمی از دستاورد انقلاب و تداوم آن است، انقلاب شفاف تر شده و با پلاتفرم های روشن تر و سازماندهی بیشتر عمق بیشتری پیدا کرده است و حزب نقش موثر و روزمره ای در تمام عرصه های مبارزه از تعمیق رادیکالیسم و سازماندهی شبکه های اعتراض در میان زنان، جوانان، دانشجویان و دانش آموزان و در میان بخشی هایی از کارگران تا نشان دادن بیگانگی جریانات راست با انقلاب و خواست های مردم ایفا کرده است.

محسن ابراهیمی رئیس دفتر سیاسی حزب در سخنرانی خود از جمله مطرح کرد که دفتر سیاسی همچنان مثل گذشته در هماهنگی با رهبری اجرایی حزب، اساسا به بحث و همفکری و هم نظری در باره موضوعات و مسائل مربوط به انقلاب زن زندگی آزادی پرداخته است. محسن ابراهیمی همچنین با اشاره کوتاهی به انقلابات موسوم به بهار عربی، تاکید کرد که انقلاب زن زندگی آزادی هم در مقابل خود دست اندازهایی خواهد داشت و تاکید کرد که حضور و دخالت فعال حزبی مثل حزب کمونیست کارگری برای پیروزی انقلاب و تامین شرایط برای نمایندگی مردم انقلاب کرده در قدرت سیاسی حیاتی است.

کیان آذر دبیر سازمان جوانان کمونیست در سخنرانی خود به روند هشت ماه گذشته انقلاب زن زندگی آزادی و دستاوردهای سیاسی و همینطور سازماندهی و

سازمانیابی بیشتر انقلاب اشاره کرد و تاکید کرد که در این دوره انقلاب پالایش یافته و مواضع جریانات راست حاشیه ای و گرایشی در انقلاب که مواضع انسانی داشته تقویت شده است. بخش هایی از جریانات راست با عنوان کردن "نافرمانی مدنی" و انقلاب «ملی» ایران و تلاش برای حاشیه ای کردن شعار زن زندگی آزادی هر چه بیشتر بیگانگی خود را با انقلاب اصیل مردم نشان داده اند. تلاش ما این بود که با فعالیت های سیاسی و میدانی و بویژه در عرصه سازماندهی اعتراضات، هم انقلاب را زنده نگهداریم و هم تبلیغات جمهوری اسلامی و جریانات راست را حاشیه ای کنیم. بدنبال این سخنرانی ها مسئولین کمیته های سازمانده، کردستان و آذربایجان و کمیته خارج، سازمان جوانان، تلویزیون کانال جدید، مسئولین عرصه مالی، سردبیران نشریات، اطلاعیه ها، سایت ها و مدیای اجتماعی حزب و فعالین حزب در عرصه های مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، علیه اعدام، جنبش رهایی زن و انقلاب زنانه جاری در ایران، دفاع از حقوق پناهندگان ایرانی، کارزار برای آزادی کارگران زندانی و جلب همبستگی با کارگران ایران، حقوق کودک، علیه اسلام و اسلام سیاسی، علیه تابوها و خشونت به زنان در کردستان و همبستگی مردم ایران و مهاجرین افغانستانی گزارش فعالیت های خود را ارائه دادند و حاضرین در پلنوم نقطه نظرات خود را در زمینه های مختلف مطرح کردند.

در این پلنوم قطعنامه ای تحت عنوان «تداوم انقلاب و وظایف حزب» (که از طرف حمید تقوایی ارائه شده بود به اتفاق آرا به تصویب رسید و یک قرار داخلی و نیز یک پلاتفرم داخلی در مورد فعالیت آتی حزب مورد بحث قرار گرفت.

در بخش انتخابات ابتدا حمید تقوایی به اتفاق آرا بعنوان دبیر کمیته مرکزی انتخاب شد و متعاقب آن ۲۵ نفر بعنوان اعضای دفتر سیاسی حزب انتخاب شدند که عبارتند از: کیان آذر، محسن ابراهیمی، بهروز بهاری، سیامک بهاری، سیما بهاری، شهاب بهرامی، فاتح بهرامی، پریسا پوینده، امیر توکلی، کیوان جاوید، شهلا دانشفر، بهرام سروش، محمد شکوهی، شیرین شمس، میثم عتیق، مصطفی صابر، حسن صالحی، اصغر کریمی، خلیل کیوان، عبدل گلپریان، شیوا محبویی، نسان نودینیان، سمیر نوری، کاظم نیکخواه و بابک یزدی.

پلنوم با سخنرانی اختتامیه حمید تقوایی پایان یافت. او در این سخنرانی گفت مضمون گزارشها و فعالیت های ارگانهای حزب در این پلنوم حاکی از نقش فعال و موثر تاکتونی حزب در انقلاب جاری است و حزب متعهد است هرچه فعالتر و گسترده تر برای پیشبرد و پیروزی انقلاب مبارزه کند.

پلنوم پس از سه روز بحث های فعال و راهگشا و در فضایی از همدلی بالا با موفقیت به کار خود پایان داد.

بیانیه پلنوم ۵۷ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری در مورد انقلاب زن زندگی آزادی



دیکتاتور و شاهی برگردد. مافیا و پاسدار صاحب سرمایه های نجومی کنار برود و سرمایه دار خود عزیزکرده کراوات زده جایش را بگیرد و با ادعای "باز سازی ایران" تسمه از گردن کارگران بکشد. این مطلقاً نقطه عزیمت انقلاب زن زندگی آزادی و مردمی که در کف خیابان جسورانه جدال میکنند نیست. جوانان و زنان و مردم انقلابی سر به آسمان میسایند. میجنگند تا تمام آنچه را میخواهند بدست آورند. میجنگند تا آرزوهای سرکوب شده شان را تمام و کمال متحقق کنند. میخواهند زندگی انسانی با تمام زیبایی آن را همین امروز برای همگان به کرسی بنشانند.

منشورها و بیانیه های بخشهای کارگران و زنان و دادخواهان و شبکه های انقلاب زن زندگی آزادی مانیفست این انقلاب و اسناد مهم این انقلاب هستند و همینها بوضوح عمق و زیبایی انقلاب را بیان میکنند. اشکال اعتراضی در این انقلاب، سرودهای مدرن و زیبایی که سمبل انقلاب شده، شعارها و اکتیهای هنری و هزار شکل و روش دیگر، بیانگر ابعاد مدرن و عمق و همه جانبگی انقلاب زن زندگی آزادی است که مرز همه انقلابات تاکنونی را در نوردیده است.

انقلاب زن زندگی آزادی میخواهد مردم را از دیکتاتورها و سنتهای عقب مانده و حکومتهای فردی و انحصاری در هر شکل آن نجات دهد و برای اولین بار زمام امور را در این کشور به دست خود مردم بسپارد. چه کسی بیش از خود توده مردم صلاحیت و سزاوار چرخاندن چرخهای زندگی خود را دارد؟ این انقلاب در منشورش اعلام میکند که میخواهد به صد سال حاکمیت بردگی و استثمار پایان دهد. به حاکمیت از بالای سر مردم تن نمیدهد و شوراها و اداره شورایی را فریاد میزند.

در جدال با حاکمیت جهل و چپاول اسلامی متاسفانه ما جانهای عزیز بسیاری را از دست داده ایم. شمار جانباختگانمان سر به هزاران و دهها هزار میزند. جای همه آنها خالی است اما نامهایشان هیچگاه فراموش نمیشود و راهشان تا به آخر ادامه خواهد یافت. افتخار و درود به همه جانباختگان انقلاب و سرنگونی حکومت اسلامی!

زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی! زنده باد جامعه انسانی!

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

۱۴ مهر ۱۴۰۲، ۱۶ اکتبر ۲۰۲۳

پلنوم ۵۷ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری در دل یک انقلاب زیبا، یک انقلاب بی نظیر، انقلاب زن زندگی آزادی برگزار میشود. انقلابی که از شهریور ۱۴۰۱ با قتل وحشیانه ژینا مهسا امینی توسط درنده خویان گشت ارشاد اسلامی، شعله ور شد و امروز نه با ریتم و شتاب و ابعاد اولیه، ولی با عمق و سازمانیافتگی بیشتری تداوم دارد. انقلابی که حضور غیرقابل انکار خود را هر روز دارد به اشکال مختلف اعلام میکند و همه کس حتی خود حاکمین میدانند و به زبانهای مختلف اعتراف میکنند که این انقلاب سر باز ایستادن ندارد.

انقلاب زن زندگی آزادی انقلابی فراگیر و همگانی است. انقلاب زنان، جوانان، دانشجویان، دانش آموزان، کارگران، بازنشستگان، معلمان و همه مردم متحد سراسر کشور در برابر حکومت منفور و مطرود و منزوی اسلامی است که همچون یک نیروی تماماً اشغالگر تنها و تنها با توسل به نیروهای مزدور مسلح سر پا مانده است. نیروی مسلحی که در حال آب رفتن است.

مردم این کشور با انقلاب زن زندگی آزادی نه فقط میخواهند به حاکمیت اسلامی چپاولگران و «ویرانگران انسانیت»، به یکه تازی مافیای درنده خوی اسلامی سرمایه داران پایان دهند، بلکه مصممند تمام سنتها و قوانین و رسم و آیین دیکتاتوریهایی تمام تاریخ این کشور را ریشه کن کنند و طرحی نو در اندازند. طرحی برای برپایی جامعه ای انسانی که در آن رفاه و امنیت و آزادی فرد شهروندان بر همه چیز مقدم است.

آزادی همه مردم از ستمگری و زندان و نا امنی و توحش سرمایه داران و حقوق بگیران نجومی و حکومت این قشر مفتخور انگل، چراغ راهنمای این انقلاب است. این انقلابی است برای برپایی جامعه ای که در آن هیچکس اسیر فقر و محرومیت و کارتون خوابی و ترس و نا امنی نباشد. به اعدام و آدمکشی و وحوش حاکم پایان داده شود. به یکه تازی دستگاه مذهب پایان داده شود. به زندانهای سیاسی پایان داده شود. آزادی بی قید و شرط عقیده و بیان و تفکر حق بی چون و چرای همه شهروندان اعلام گردد. هیچکس به دلیل بیان عقیده و تشکل و تفکر زندانی و یا تهدید نشود. برخورداری از رفاه حق تک تک شهروندان باشد. در این جامعه ثروت و امکانات برای رفاه همه مردم وجود دارد و در یک سیستم برابر و آزاد و انسانی این امکانات میتواند دهها برابر افزایش یابد.

انقلاب زن زندگی آزادی انقلابی برای بازگرداندن جایگاه والای زندگی به مرکز جامعه در برابر نیروهای از گوربرخاسته ای است که تروریسم و قتل و اعدام و نابود کردن زندگی هویتشان را میسازد.

«آزادی آزادی آزادی» شعار این انقلاب است. آزادی از زندان و سرکوب، از فقر و محرومیت، آزادی از جبر اقتصادی و بردگی مزدی، آزادی از تمام تبعیضات! ستم مذهبی، ستم جنسیتی، ستم و تبعیضات ملی، بی حقوقی کودکان، و همه ستمگریهای نهادینه در سیستمهای تاکنونی باید تماماً ریشه کن شود و جامعه ای انسانی برپا شود. جامعه انسانی یعنی زندگی مردم برابر، شاد و مرفه در کنار هم!

مردم انقلابی در این جامعه نمیجنگند تا اوضاع کمی بهتر شود. الگوی آینده شان را از جوامع طبقاتی و استثمارزده و فقرزده نمیگیرند. نمیخواهند فقط آخوندی برود و

زن زندگی آزادی!

گسترش اعتراضات در نفت و دوشنبه های اعتراضی

شهلا دانشفر



پیمانکاران در نفت حذف و خودشان جای آنها را بگیرند. اما کارگران اعلام کرده اند که هیچکدام از این باند‌های مافیایی ربطی به آنها ندارند و خواستار برچیده شدن بساط پیمانکاران از کل مراکز نفتی شده اند. و این نکته ایست که از جمله در بیانیه های شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی بر آن تاکید شده بود. علاوه بر این خواست کلیدی و مهم که به طور واقعی خواست سراسری کارگران در نفت است، کارگران معترض ارکان ثالث در پالایشگاه آبادان خواستار تسریع تخصیص نفت/گاز کارت از ابتدای سال ۱۴۰۲، رفع تبعیض ها و اجازه استفاده از مهمانسراها، باشگاه های غذاخوری و خدمات رفاهی اجتماعی برای همه کارگران، و اصلاح طرح طبقه بندی مشاغل و تعمیم آن از آغاز سال ۱۴۰۲ و پرداخت معوقات خود هستند. علاوه بر این اعتراضات، در هفته قبلترش در دوازدهم مهر ماه نیز گروهی از کارگران قراردادی وزارت نفت اعم از قراردادی های ملی حفاری و کارکنان پالایشگاه نفت آبادان، در اعتراض به مطالبات ده ساله زمین مانده خود در مقابل ساختمان مدیریت شرکت مناطق نفتخیز جنوب در اهواز دست به تجمع و اعتراض زدند. و در همین روز کارگران شاغل در پتروشیمی آبادان برای دومین روز به دلیل عدم پرداخت شش ماه دستمزد شان و نیز افزایش بدهی های این مجتمع که منجر به خوابیدن بخشهایی از فعالیت این مجموعه شده است تجمع کردند. از دیگر موارد اعتراض این کارگران، آیتم ۴۰ درصد حق جذب است که در گذشته پرداخت می شد و در حال حاضر پرداخت آن قطع شده و مدیران شرکت می گویند توانایی پرداخت آن را ندارند. همچنین در روز یازدهم مهر ماه کارگران بخش اورهال این پتروشیمی آبادان در اعتراض به عدم پرداخت ۵ تا ۶ ماه مزد و حق بیمه خود دست به اعتصاب زدند و تجمع کردند. این خبرها به روشنی نشانگر گستردگی اعتراضات کارگران در نفت و ابعاد وسیع آنست.

برچیده شدن بساط پیمانکاران مفتخور و دائمی شدن قراردادهای موقت، افزایش حقوقها و مقابله با تعرضات حکومت به زندگی و معیشت کارگران، پایان دادن به اختلاسهای و دزدیها، برخورداری همه کارگران نفت از درمان رایگان با استاندارد بالا و قابل قبول، پرداخت فوری معوقات کارگران، ایمن شدن محیط های کار و بهبود شرایط کمپ ها و امکانات بهداشتی و زیستی کارگران در مراکز نفتی از جمله خواستهایی است که در اعتراضات بخش های مختلف نفت اعلام شده است. این خواستهها میتواند حلقه اتصال اعتراضات بخش های مختلف نفت به یکدیگر باشد. پیوستن بخش های مختلف صنعت نفت به دوشنبه های اعتراض که از سوی

اعتراضات در نفت گسترش می یابد. روز نوزدهم مهر ماه نیز کارکنان صنعت نفت جنوب در آبادان تجمع داشتند و در این حرکت اعتراضی در برابر علیرضا دانشی مدیر عامل شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب با سخن گفتن از سطح نازل حقوقها و گرانی های روز افزون صدای اعتراضشان را بلند کردند. همچنین روز هفدهم مهر یک روز اعتراضی مهم از سوی کارگران نفت بود که در آن کارگران رسمی در سکوهای نفتی و چهار هزار کارگر ارکان ثالث در پالایشگاه آبان برای پیگیری خواستههایشان دست به تجمع و اعتراض زدند. در این روز کارگران رسمی نفت در سکوهای نفتی ابودر و منطقه خارک بنا به قرار از قبل تعیین شده تجمع داشتند. در روز قبل از آن نیز کارگران سکوی نفتی در مسجد سلیمان با مشارکت کارگران بخش های نظاره گری دست به تجمع زدند. این تجمعات اعتراضی بخاطر سقف حقوق ناعادلانه، مالیات های سنگین و نحوه کسر این مالیاتها و محدودیت ۳۰ ساله ای سنوات بازنشستگی علیرغم سنوات خدمت بیشتر و بعضا کسورات بازنشستگی شکل گرفتند. کارگران سکوهای نفتی اعلام کرده اند که تا وقتی پاسخ نگیرند هر دوشنبه تجمع خواهند کرد. و این اتفاق مهمی در نفت است و تداوم اعتراضات این کارگران در این مرکز کلیدی اقتصادی کشور را نشان میدهد. ضمن اینکه به کارگران دیگر بخش های نفت راه نشان میدهد و میتواند بستری برای اعتصابات سراسری در نفت باشد.

بخش معترض دیگر در نفت کارگران ارکان ثالث هستند که با خواست مهم خروج پیمانکاران از محیط های کار به میدان آمده اند. این کارگران در همان روز هفدهم مهر ماه تجمع داشتند و تجمع اعتراضی بعدی آنها در بیست و یکم مهر ماه بر پا شد. بنا بر گزارش منتشر شده از سوی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث) در این روز جمع کثیری از این بخش از کارگران شاغل در پالایشگاه آبادان در ادامه مطالبه گری خود محل نماز جمعه را به صحنه اعتراض خود تبدیل کردند. در این تجمع اعتراضی کارگران در رابطه با خواست خروج پیمانکاران از این پالایشگاه برهائی در دست داشتند. این شورا ضمن گزارش خیر این حرکت اعتراضی با اشاره به راهپیمایی ای که در انتهای نماز جمعه تحت عنوان "حمایت از مردم غزه" به راه افتاد، مینویسد: "اما حرف ما کارگران اینست که جنگ خونینی که یکطرف آن دولت اسرائیل و طرف دیگرش حماس و دیگر نیروهای ارتجاعی هستند ربطی به مردم فلسطین ندارد. مردم چه در غزه و چه در اسرائیل قربانیان این جنگند. جنگ باید متوقف شود." اعلام خواست توقف جنگ خونین میان دولت اسرائیل و نیروهای اسلامی و محکوم کردن دو طرف این جنگ که قربانیانش مردم هستند یک تاکید مهم از جانب کارگران شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت است که اجازه نمیدهند جمهوری اسلامی با چنین تشبثاتی فضای انقلابی جامعه را مخدوش و تار کند.

گفتی است که کارگران ارکان ثالث در پالایشگاه نفت آبادان، در اعتراض به وضع بد معیشتی و نداشتن امنیت شغلی دست به تجمع زدند و خواستار حذف شرکت های واسطه تامین نیروی کار شدند. در این پالایشگاه حدود چهار هزار کارگر به صورت پیمانکاری بدون داشتن هیچگونه امنیت شغلی ای مشغول بکارند که زیر فشار سخت کاری و معیشتی قرار دارند. خواست خروج پیمانکاران از سوی این کارگران قدمی در جهت چالش ساختار نفت و یک اتفاق سیاسی مهم است. زیر فشار اعتراضات کارگران در نفت برای کوتاه شدن دست پیمانکاران از مراکز نفت و در دل نزاعهای درونی باند های رانت خوار حکومتی، وعده هایی به کارگران داده شد. از جمله قرارگاه خاتم که یک سرشان به بخشی از حکومت وصل است، تلاش دارد که

به این جنگ فاجعه آمیز فوراً پایان دهید!



می‌کنیم که با محکوم کردن دو طرف این جنگ این خواست را در همه جا طنین انداز کنند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۰ مهر ۱۴۰۲، ۱۲ اکتبر ۲۰۲۳

جنایت هر چقدر بیرحمانه و وحشیانه، ارتکاب به یک جنایت دیگر را توجیه نمی‌کند. حمله جریان مرتجع و تروریست اسلامی حماس به اسرائیل که طی آن از جمله ۲۶۰ نفر از شرکت کنندگان در یک جشنواره موسیقی در جنوب اسرائیل کشتار شدند و همچنین مردم بی‌دفاع در شهرک‌های یهودی‌نشین بطرز فجیعی به قتل رسیدند، به هیچوجه جنایتی که امروز دولت و ارتش اسرائیل در نوار غزه انجام می‌دهد را توجیه نمی‌کند. دولت و ارتش اسرائیل بخش‌های زیادی از غزه را تحت عنوان مبارزه با تروریست‌های اسلامی حماس به مخروبه تبدیل کرده‌اند، مردمان بی‌دفاع زیادی را به قتل رسانده‌اند، باعث آوارگی مردم شده‌اند و همه امکانات زندگی را بر روی مردم نوار غزه قطع کرده‌اند. راه انداختن مراسم شادی در خیابانهای شهرهای مختلف دنیا از سوی گروه‌های اسلامی به خاطر حمله حماس و جنایاتی که این گروه تبهکار اسلامی علیه مردم اسرائیل مرتکب شده است به همان اندازه نفرت‌انگیز است که هلله و شادی برای ارتش و دولت اسرائیل به خاطر "له و لورده کردن" مردم بی‌دفاع فلسطین.

مردم ایران که خود طعم جنایت و آدمکشی حاکمان اسلامی را چشیده‌اند در این روزهای سخت و فاجعه‌آمیز خود را در کنار مردم اسرائیل و فلسطین می‌یابند که قربانیان مستقیم جنایات دو طرف این جنگ هستند. سابقه مسئله فلسطین هر چه باشد این مسابقه آدمکشی باید فوراً خاتمه یابد. اولین شرط رسیدن به یک توافق عادلانه بر سر مسئله فلسطین این است که کشتار مردم بی‌دفاع فوراً پایان یابد. بمباران و موشک‌باران شهروندان اسرائیلی و فلسطینی باید فوراً متوقف شود. مردم نباید قربانی رقابت‌های قومی و مذهبی حماس و دولت اسرائیل شوند. جان و زندگی مردم اسرائیل و فلسطین باید از این رقابت‌های ارتجاعی و جنون‌آمیز در امان بماند. ما خواهان قطع فوری این جنگ فاجعه‌آمیز هستیم و مردم جهان را دعوت

گسترش اعتراضات در نفت و ...

از صفحه ۴



فضای اعتراضات را مسموم میکند و مانع حمایت سراسری از کارگران میشود. خلاصه کلام اینکه پیوستن بخش‌های مختلف صنعت نفت به دوشنبه‌های اعتراض یک قدم مهم در سراسری شدن اعتراضات در نفت است. با ایجاد شوراهای سازماندهی اعتراضات در تمام بخش‌های شغال در نفت میتوان به تدارک اعتراضات سراسری رفت. اعتصابات در صنعت نفت در این بخش کلیدی اقتصادی در دل شرایط ملت‌تهداب انقلابی جامعه میتواند بستر ساز اعتصابات سراسری در سطح جامعه باشد و باید به تدارک آن برویم.

کارگران رسمی در سکوهای نفتی اعلام شده، یک قدم مهم در سراسری شدن اعتراضات در نفت است. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت در گزارش اخبار اعتراضات بخش‌های مختلف کارگران نفت را به این روز اعتراضی فرا خوانده و مینویسد: "همانطور که همکاران سکوهای نفتی روزهای دوشنبه‌های اعتراض را اعلام کرده‌اند. ما کارگران بخش‌های مختلف نفت که انباشته‌ای از خواسته داریم. میتوانیم در هفته روز ثابتی برای اعلام خواسته‌ها و اعتراضاتمان داشته باشیم و با دوشنبه‌های اعتراض همراه شویم."

بدین ترتیب دوشنبه‌های اعتراضی‌ای که از سوی کارگران رسمی سکوهای نفتی اعلام شده، میتواند روز اتحاد مبارزاتی سراسری در نفت باشد.

نکته مهم دیگر که باید بر روی آن مکث کردن توطئه‌گریهای حکومتیان برای مسموم کردن فضای اعتراضات کارگران و مهار و کنترل آنست. برای مثال آنها تلاش میکنند که با تشبثاتی چون بدست گرفتن پرچم جمهوری اسلامی و عکس‌خامنه‌ای و ایجاد فضای امنیتی اوضاع را تحت کنترل داشته و در صفوف اعتراض کارگران نیز تفرقه و شکاف ایجاد کنند. یک نمونه آن را در اعتراض کارگران سکوهای نفتی ابوذر روز ۱۷ مهر شاهد بودیم. در این حرکت اعتراضی برخی از عوامل هوادار یا وابسته به حکومت بنر حکومت اسلامی را جلوی صف کارگران معترضی قرار دادند که دست از کار کشیده و خواسته‌های اعتراضی‌شان را بر روی کاغذی نوشته و بدست گرفته بودند. نسبت به چنین تشبثاتی باید هوشیار بود. پرچم جمهوری اسلامی پرچم خونین و ضد کارگری ارتجاع اسلامی است و هیچ ربطی به کارگر معترض ندارد و



سراشویی سقوط قرار دارد، می‌کوشد از جنگ به‌عنوان چماقی علیه انقلاب ما مردم بهره‌گیرد و همه چیز را تحت‌الشعاع آن قرار دهد. اما مثل همیشه مردم جوابشان را می‌دهند و "فلسطین را رها کن، فکری به حال ما کن" شعاری دیرینه در برابر چنین جنایاتی است. امروز نیز مردم در گفتمان‌هایشان در مدیای اجتماعی کنار مردم فلسطین و اسرائیل هر دو ایستاده و با همین زن فلسطینی هم‌صدا شده و ویدئوی وی را همه‌جا پخش می‌کنند.

ما مردم علیه هر دو طرف جنگ خونینی که هم اکنون میان دولت اسرائیل و نیروهای اسلامی درگرفته ایستاده و خواستار قطع فوری جنگیم. به‌ویژه ما مردم در ایران امروز راس‌تر از هر وقت فریاد می‌زنیم: "جمهوری اسلامی نابود باید گردد." سرنگونی جمهوری اسلامی گام مهمی در دستیابی مردم کل منطقه به امنیت و رهائی است.

من از طرف همه مردم غزه سخن می‌گویم - شهلا دانشفر

این صحبت‌های زنی فلسطینی است که ویدئوی آن در مدیای اجتماعی وسیعاً پخش شده است. زنی که با فریاد خشمگین و دردناکش علیه جنگ و جنگ‌افروزان می‌گوید صدای مردم غزه است. او از قربانیان جنگی سخن می‌گوید که یک طرفش حماس و حزب‌الله و جمهوری اسلامی و طرف دیگرش نتانیاهو است.

او فریاد می‌زند و می‌گوید: "جنازه فرزندانمان اینجاست (اشاره به محلی که بمباران شده). عدالت کجاست؟ این شرایطی است که هتیه (رهبر حماس) ما را محکوم به آن کرده است. چهار پسر جوان دارم که بیکار هستند. من تنها از خودم حرف نمی‌زنم، من از زبان همه مردم غزه می‌گویم. ۱۶ سال است که فرزندانمان از همه چیز محروم‌اند و زندگی‌شان نابود شده، چرا؟ اما یک مسئول ماشین و خانه و همه چیز دارد و مالک هر چیزی که بخواهد می‌شود و فرزندان ما در زندگی صاحب هیچ چیز نیستند. ما کجا قرار داریم؟ ما را محتاج یک قرص نان کرده‌اند."

سخنان تکان‌دهنده این زن فلسطینی نشان می‌دهد که قربانیان واقعی این جنگ چه کسانی هستند. او از مسئولین یعنی همان دارودسته‌های فاشیست اسلامی حماس می‌گوید که ماشین و خانه و همه چیز دارند و در مقابل مردمی محروم از همه چیز که زندگی‌شان به نابودی کشیده شده و قربانی می‌شوند. او از جنگی سخن می‌گوید که دو طرف فوق‌ارتجاعی و فاشیست آن از درد دیرینه مردم آواره فلسطین سودها جسته و برای حفظ موقعیت و ثروت‌های کلان‌شان از هیچ جنایتی فروگذار نیستند و در این میان جمهوری اسلامی که سر مار در منطقه است و امروز در

پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران به خانواده‌های دادخواه



فراموش می‌کنیم. در فردای آزادی، همه جنایتکاران را به دست عدالت خواهیم سپرد، یاد همه عزیزان جانباخته را با شکوه تمام گرامی خواهیم داشت و با برقراری یک جامعه آزاد و انسانی، برای همیشه بساط دیکتاتوری و جنایت را بر خواهیم چید.

یاد جانباختگان انقلاب همیشه در قلب ما خواهد ماند.

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

۱۴ مهر ۱۴۰۲، ۱۶ اکتبر ۲۰۲۳

حزب کمونیست کارگری ایران به شما خانواده‌های دادخواه که علیرغم درد و رنج از دست دادن جگرگوشه‌هایتان و از طرف دیگر فشارهای فزاینده سرکوبگران حکومتی در جریان انقلاب زن زندگی آزادی با پایداری و استقامتی بی‌نظیر در مقابل رژیم جنایتکار اسلامی ایستاده اید، صمیمانه درود می‌فرستد. شما و کل جامعه عزیزانی را از دست داده‌اید که برای آرمانی والا و انسانی به میدان آمدند. آنها جاودانه شدند و در قلب دهها و صدها میلیون مردم آزاده ایران و جهان جای گرفتند و جامعه امروز یک صدا فریاد می‌زند قسم به خون یاران ایستاده‌ایم تا پایان.

ما ضمن گرامیداشت یاد مبارزین و معترضینی که در راه آزادی و برای یک زندگی بهتر جان باختند اعلام می‌داریم که با تمام نیرو برای دادخواهی از مظالم و جنایات جمهوری اسلامی در کنار شما هستیم. شما بدلیل شهامت و استواری‌تان احترام کل جامعه را نسبت به خود برانگیخته‌اید. آنچه شما طلب می‌کنید یعنی محاکمه همه سران و کاربدستان جمهوری اسلامی بعنوان آمرین و عاملین جنایات در ایران، خواست همه مردم است. شما پرچمی را در دست دارید که همه مردم زخم خورده از این رژیم به گرد آن جمع شده‌اند. شما در عین حال با سازماندهی خود و ایجاد شبکه‌های دادخواهان در نقاط مختلف کشور به همگان نشان داده‌اید که نه تنها در مقابل تعدیات حکومت کوتاه نیامده‌اید، بلکه قوی‌تر و سازمانیافته‌تر قد علم کرده‌اید و جنبش دادخواهی را به یکی از ستون‌های مستحکم انقلاب زن زندگی آزادی تبدیل کرده‌اید. "هر چه تبر زدی مرا زخم نشد جوانه شد!"

حزب کمونیست کارگری ضمن ارج نهادن به مبارزات دلیرانه شما تمام تلاش خود را خواهد کرد که امر پیگیری قضایی سران جمهوری اسلامی به دلیل جنایت علیه بشریت را در سطح بین‌المللی مجدانه دنبال کند. ما نه می‌بخشیم و نه هرگز

کارگران و مردم ایران و جهان، طرف سوم جنگ حماس و دولت اسرائیل - مهران محبی



داد که دولت اسرائیل به بهانه جنایات کم سابقه حماس در حق شهروندان اسرائیلی متقابلاً علیه شهروندان فلسطینی به جنایاتش ادامه دهد.

نباید به جریان‌ات راست و دولتهای ارتجاعی سرمایه داری اجازه بهره برداری سیاسی از طریق به انحراف کشاندن اذهان عمومی داد تا برای متحد خود در این جنگ و این مسابقه آدمکشی طرفدار و سمپات گرد آورند. امروز در حالیکه دولت اسرائیل خیلی از مناطق مسکونی فلسطین را به تلهانی از ویرانی تبدیل کرده است، دولتهای غربی و طرفداران تروریسم دولتی مشغول تبلیغات و به راه انداختن آکسیونها در حمایت از دولت جنایتکار اسرائیل به بهانه مخالفت با تروریسم هستند.

از طرف دیگر جریان‌ات اسلامی و جمهوری اسلامی با نمایش مظلومیت مردم فلسطین و گرفتن ژست دفاع از آن مردم که توسط دولت اسرائیل کشتار می شوند، به دنبال بسیج افکار عمومی در جهان به اصطلاح اسلام برای حمایت از حماس و گروه‌های جهادی-اسلامی جنایتکار هستند.

در ایران که یک انقلاب علیه حکومت اسلامی در جریان است و مردم هر لحظه انتظار تحقق آرزویی می کشند که برایش مبارزه می کنند، جریان‌ات راست و سلطنت طلب تلاش می کنند مردم انسان دوست و ضد تبعیض جنسی، قومی، نژادی و ملی، مذهبی را در کنار و حامی دولت اسرائیل جا بزنند و از طریق رسانه هائی مانند "من و تو" و "ایران اینترنشنال" چنین تبلیغاتی را براه انداخته اند.

مردم ایران از کارگر گرفته تا معلم، بازنشسته، زن و مرد و جوان و غیره، همچنانکه در جریان انقلابشان، انقلاب "زن، زندگی، آزادی" که بیانگر برخورداری از رفاه، آزادی و از میان برداشتن هر گونه تبعیض است، نشان داده اند، جریان‌ات راست و سلطنت طلب را که هدفشان ایجاد تفرقه و شکاف میان مردم متحد بود، قبول نداشته و آنها را حاشیه ای کرده اند. امروز نیز که شهروندان اسرائیلی و فلسطینی زیر بمباران و موشک باران تروریستهای دولتی اسرائیلی و تروریستهای اسلامی وابسته به جمهوری اسلامی هستند، وظیفه دارند در مقابل همه طرفهای درگیر در این جنگ جنایتکارانه بایستند. وظیفه دارند که به راستها و سلطنت طلبان اجازه ندهند که در تبلیغات و موضع گیریهای ارتجاعی شان مردم ایران را حامی و طرفدار دولت اسرائیل قلمداد کنند.

ما مردم ایران، ما کارگران و معلمان، ما زحمتکشان، ما زنان و جوانان و ما آزادیخواهان و انساندوستان به طرف سوم و به جبهه بشریت مترقی تعلق داریم و باید همصدا با مردم متمدن و ضد جنگ سراسر دنیا خواهان پایان یافتن فوری جنگ شویم.

"نه به جنگ"، "نه به تروریسم دولتی" و "نه به تروریسم اسلامی"

با حمله تروریستی و جنایتکارانه حماس به شهرهای اسرائیل و قتل عام و سلاخی شهروندان به اسارت درآمده اسرائیلی، شیپور یک مسابقه آدمکشی از شهروندان اسرائیلی و فلسطینی توسط جنایتکاران هر دو طرف یعنی ارتش اسرائیل و تروریستهای حماس زده شد.

ابعاد و عمق این جنایات به حدی است که کمتر انسانی تحمل دیدن تصاویر منتشر شده از جنایات حماس و ارتش اسرائیل در حق شهروندان هر دو طرف را دارد. تبعات این جنگ ضد انسانی تا حالا برای شهروندان اسرائیلی و فلسطینی هزاران کشته و زخمی و آورگی صدها هزار نفر بوده است. اما طرفهای درگیر و حامیان این مسابقه آدمکشی همچنان بر ادامه جنایاتشان در رقابت با یکدیگر اصرار دارند.

حماس که تحت حمایت همه جانبه جمهوری اسلامی است، با دست آویز قرار دادن اشغالگر بودن اسرائیل و مظلوم واقع شدن مردم فلسطین برای تأمین منافع ضد انسانی خود و همپیمانانش مانند جمهوری اسلامی بر طبل ادامه خونریزی می کوبد. هدف تروریسم اسلامی بیرون راندن اسرائیل از منطقه و گسترش حاکمیت و فرهنگ و ایدئولوژی اسلامی است و در تلاش برای تجهیز و وارد کردن دیگر گروهها و نیروهای تروریستی مانند حشدالشعبی، فاطمیون و زینبیون و به اصطلاح داوطلبان بسیجی و سپاهی از ایران به منطقه برای مقابله با اسرائیل هستند. رجزخوانی حسین امیرعبداللّه‌یان که بعد از عقب نشینی خامنه ای در جمع فرماندهان سپاه، اعلام می کند: "دست همه روی ماشه است" در این راستاست.

از طرف دیگر دولت اسرائیل جنایات حماس را دستمایه حملات ویرانگر هوایی و زمینی خود به مراکز فلسطینی نشین قرار داده و اعلام کرده است تا ناتوان ساختن کامل حماس و یکسان کردن مناطق فلسطین با خاک دست بردار نخواهد بود. این در حالی است که همه دولتهای غربی و مخصوصاً آمریکا اعلام حمایت قاطعانه از دولت اسرائیل کرده اند و دولت آمریکا در همان چند روز اولیه جنگ، ناو هواپیما بر "جرالدفور" را در نزدیکی اسرائیل مستقر کرده و قرار است به زودی ناو هواپیما بر "آیزنهاور" را هم به منطقه بفرستد.

بیش از یک هفته است که شهرهای دو طرف زیر باران راکت و موشک هستند و هر روز هزاران انسان کشته و زخمی یا آواره می شوند. مناطق فلسطینی نشین در محاصره کامل ارتش اسرائیل قرار گرفته اند و گرفتار بی غذایی، بی آبی و بی دارویی و غیره شده اند. اما جنگ همچنان ادامه دارد و حامیان دو طرف نیز همچنان بر آتش جنگ بنزین می ریزند.

اما این جنگ جنایتکارانه مانند هر جنگ ارتجاعی دیگری تنها دو طرف ندارد. چنین جنگهایی که بر مبنای منافع دولتهای ارتجاعی سرمایه داری و گاه میان تروریستهای دولتی و تروریستهای مذهبی و اسلامی به وقوع می پیوندند، قربانیانشان فقط مردم عادی ای هستند که هیچ منفعتی در جنگ ندارند، و در عین حال حامی ای هم ندارند. این مردم، طرف سوم این نوع جنگها هستند. حامی واقعی آنها نیز مردم کارگر و زحمتکش و صلح دوستی هستند که مخالف هر دو طرف جنگ های ارتجاعی ایستاده و بر پایان فوری جنگ تاکید دارند. خیلی از جنگ های ارتجاعی میان قدرتهای سرمایه داری نیز تا کنون مورد مخالفت و انزجار مردم منتفر از جنگ یا همان قطب سوم یعنی بشریت مترقی قرار گرفته اند. بارها در سطح جهانی مردم نسبت به جنگ و کشتار شهروندان اعتراض به راه انداخته و خواستار توقف فوری جنگ شده اند. امروز و در برابر این جنگ جنایتکارانه نیز مردم جهان باید به عنوان طرف سوم به خیابان بیایند و خواهان توقف فوری جنگ شوند. باید از حق داشتن سرزمین و دولت برآمده از اراده خود مردم برای فلسطینیان حمایت کنند. نباید اجازه



بازنشستگی زمانی برای زندگی نه مُردن

یاشار سهندی

از سر ناچاری مجبورم با این سخن وزیر کار جمهوری اسلامی که "ظلم است به فرد 55 ساله بگویم بازنشسته شود" موافق باشم! راست میگوید هیچ معنایی ندارد که به فرد 55 ساله بگویند وقت بازنشستگی است. چون بازنشستگی عین شروع مجدد مصیبت است. یعنی همه سی و چهل سال کار کردن یک طرف، دوران بازنشستگی یک طرف.

در دوران کارگری کردن، به اندازه یک ابزار هم برایت ارزش قابل نیستند که حداقل شرایط نگهداری آنرا مراعات میکنند. برایش مکان خاصی در نظر میگیرند، اگر ابزار حساسی باشد در کاور یا صندوق مخصوص نگهداری میکنند، به وقت استفاده مواظب هستند که آسیب نیندند، بعد از استفاده نیز تمام تشریفات استاندارد رعایت میشود که ابزار در ظرف یا مکان خود از هر گونه گزند در امان باشد. برای مثال اگر این ابزار دستگاه مخصوص ماشین کاری، دستگاه "فرز پنج محور CNC" باشد یک اتاقکی برایش فراهم است که از محیط آلوده کارگاه دور باشد که مبادا غبار فلزات روی مدار آن بنشیند. سر موعد هم تمامی موارد تعمیر و نگهداری آن اجرا میشود. اگر روزی هم جایی از آن مشکلی پیدا کرد بهترین متخصص را پیدا میکنند که عیب یابی کند و در اسرع وقت سرحال و قیافه آماده کار باشد. حتی یک آچار فرانسه یا گاز انبر یا دم باریک هم، همین جوری مورد استفاده قرار نمی گیرد. باید سخت مراقب باشند که به وقتش قابل استفاده باشد... اما کارگر...!

اگر اشتباه نکنم این ارسطو بوده که گفته انسان حیوان ناطق است. کارگر در نظام سرمایه داری چیزی بیشتر از یک ابزار ناطق قلمداد نمیشود. اگر ظاهرا در تعریف فلسفی "انسان" بر وجود "مادی" تاکید دارد و "ناطق" بر "وجود روحی" او؛ در شیوه تولید حاکم در جامعه معاصر ابزار ناطق هیچ مفهومی ندارد جز اینکه انسان کارگر، ابزاری است که وجود آن تا آنجا لازم است که بتواند کار کند و برای نگهداری او هم حد استاندارد، خط فقر و خط مرگ است؛ و این موجود دست بر قضا حرف هم میزند که اگر نزنند بهتر است! "کارگر خاموش" یکی از بهترین آرزوهای یک دولت سرمایه داری و فرد سرمایه دار است.

این ابزار ناطق از آنجا که دست بر قضا احساسات هم دارد، از همان ابتدا که مهر کارگر بر پیشانی اش میخورد احساس تحقیر تا اعماق وجودش رسوخ میکند. کارفرما هم البته بهترین روشی که میشناسد که حیوان ناطق را به ابزار ناطق تبدیل کند تحقیر مداوم است. بدین ترتیب شرایط به گونه ای رقم خورده که در جریان تولید کارگر هیچ پیوندی بین خود و آنچه تولید میکند حس نمی کند؛ رابطه کارگر با محصول کار خویش، رابطه با شی بیگانه است... هر چه کارگر بیشتر از خود در کار مایه گذارد، جهان بیگانه اشیا بی که می آفریند بر خودش و ضد خودش قدرتمندتر میگردد، و زندگی درونیش تهی تر شده و اشیا کمتری از آن او میشود... بیگانگی کارگر از محصولاتی که می آفریند، نه تنها به معنای آن است که کارش تبدیل به یک شی و یک هستی خارجی شده است بلکه به این مفهوم نیز هست که کارش خارج از او، مستقل از او و به عنوان چیزی بیگانه با او موجودیت دارد و قدرتی است که در برابر او قرار می گیرد. اشیا با حیاتی که کارگر به آنها می دهد، چون چیزی بیگانه در برابر او قرار میگیرند. (مارکس - دست نوشته های اقتصادی و فلسفی ۱۸۴۴)

بعد از سی تا چهل سال کارگری توام با تحقیر، دورانی در زندگی کارگر شروع میشود که "بازنشستگی" نام دارد. این حق البته همین جوری از سر خیرخواهی برای کارگران در نظر گرفته نشده بلکه برای آن سالها مبارزات سهمگینی در جریان بوده و نتیجه عقب نشینی سرمایه در برابر کارگر است. سرمایه هر گاه بتواند سعی فراوان بخرج میدهد تا این حق را پایمال کند. در جایی مانند ایران بازنشستگی نه پایان یک

دوران سراسر تحقیر و شروع یک دوره آرامش بلکه دوره جدیدی است که کارگر حس میکند وجودش، زندگی اش به بی معنی ترین شکل ممکن رو به سراشیبی افتاده است. خسته و از کار افتاده و بعد از این سی و چهل سال کار احساس بیپوده کردن، چندر غاز که آنهم نتیجه غارت بخشی از دستمزد کارگران در ایران یکی از بزرگترین می گردانند. بگذریم که با این بخش از دستمزد کارگران در ایران یکی از بزرگترین غولهای اقتصاد به نام "شتا" شکل گرفته است، و حتی آخوند جماعت، این انگل ترین بخش جامعه را شریک سفره کارگر کرده اند. از جمله این موجودات نیز تحت پوشش بیمه ای هستند که از پول کارگر تامین شده است.. اما کارگر درست در زمانی که قرار است مثلاً به تن استراحتی بدهد و شاید سفری و تفریحی و یا کاری انجام دهد که خودش را بیابد بیشتر از زمانی که کارگری میکرد دلواپس و نگران امروز تا به فردای خود است.

بسیاری از بازنشستگان مجبورند برای تامین معاش روزانه مجدداً دوباره تن به کار دهند با این تفاوت بزرگ که دیگر این فرد حتی از نظر قانون به عنوان یک کارکن برسمیت شناخته نمیشود. در نتیجه فشار بیشتری از نظر شرایط کاری تحمل میکنند. به اضافه منت اینکه کارفرما سر فرد بازنشسته دارد که ظاهراً کاری خلاف قانون دارد انجام میدهد! این امر نه تنها به فرد 55 ساله ظلم است که بگویند بازنشسته شده بلکه حتی به یک فرد بیشتر از این سن هم ظلم است. چون دورانی شروع میشود که رنج بدبختی به شکلی دیگر ادامه می یابد با این تفاوت که دیگر فرد بازنشسته توان و نیروی جوانی را هم دیگر ندارد.

وزیر و کل حکومت اسلامی سرمایه کاملاً آگاهانه شرایطی را فراهم می آورند که فرد بازنشسته دوباره تن به استثمار بسپارد و یا در نداری خود با بیماریهای گوناگون در یک گوشه ای منتظر مرگ بماند. وزیر اما نگران ظلم گفته شده نیست بلکه نگران پولی است که از خود کارگر گرفته اند و نمی خواهند در آستانه پیری به او حتی درصدی از آن را برگردانند. وزیر در پی تشدید ظلم سرمایه به کارگران است. کارگر باید تا آن حد کار کند که حداکثر بعد از پنج سال عمرش تمام شده باشد. یک گله مدام نمایندگان سرمایه این است که چرا کارگر بازنشسته زودتر نمی میرد!

حکومت اسلامی مرزهای وقاحت را پشت سر گذاشته است، و اظهارات وزیر نه از سر دلسوزی بلکه از وقاحتی سر چشمه میگیرد که جمهوری اسلامی سرمایه بدون آن معنی ندارد. اما یک چیزی در این میان تغییر یافته است. بازنشستگان در ایران در کف خیابان خود را باز یافته اند و به دنبال کرامت انسانی خود دست به مبارزه میزنند. شاید به فوریت به خواسته های خود نرسند اما این مبارزات دقیقه ای در تاریخ مبارزات کارگران است که به کل جامعه یادآور میشود که با این حکومت هیچ چیزی درست نمی شود، و تنها راه سرنگون کردن این حکومت است.

وزیر شاید خودش را بتواند گول بزند که به جامعه دهن کجی میکنم و سر کارم هم هستم! اما واقعیت مسیر دیگری را می پیماید. نکبت سرمایه داری را کل جامعه به عیان مشاهده میکند که یک نمونه اش همین اظهارات وزیر شارلاتان است. جناب وزیر بزودی خواهد فهمید تلاش برای ضایع کردن حق بازنشستگی لقمه گلو گیر برای حکومت اسلامی سرمایه است. حق بازنشستگی آسان بدست نیامده که آسان از دست برود.



سه روز مهم اعتراضی در هفته گذشته روز جهانی مبارزه علیه اعدام، روز کودک و روز معلم شهلا دانشفر

روز جهانی مبارزه علیه اعدام، روز کودک و روز معلم

هشتم، دهم و سیزدهم اکتبر برابر با شانزدهم، هجدهم و بیستم و یکم مهر ماه سه روز مهم اعتراضی جهانی در هفته گذشته بود. هشتم مهر روز جهانی کودک، دهم اکتبر روز جهانی علیه اعدام و سیزدهم اکتبر روز جهانی معلم. سه روز اعتراضی که تحت حاکمیت حکومتی اعدامی ضد انسان و ضد کودک بسیار معنا دارد. سه روزی که با گفتمانهایی که با خود همراه داشت به انقلاب زن زندگی آزادی غنای بیشتری بخشید. به این مناسبتها مردم با بیانیه های اعتراضی خود خواستهایی را جلو آوردند و با رساتر کردن فریاد اعتراضشان تداوم انقلاب را فریاد زدند. از جمله جلو آمدن دوباره گفتمان اعدام قتل عمد حکومتی است و باید ممنوع شود، گفتمان بر سر حقوق اساسی کودک و ممنوعیت کار کودکان و نیز گفتمان آزادی فوری معلمان زندانی که بخاطر مبارزات درخشانشان علیه فقر و بی تأمین و در دفاع از حق آموزش رایگان و با کیفیت برای همه کودکان در زندانند، در این مناسبتها نشانگر تعمیق بیشتر انقلاب زن زندگی آزادی و ابعاد انسانی آنست. به گوشه هایی از بیانیه های ویژه این سه روز مهم اعتراضی نگاهی بیندازیم.

بیانیه های مردمی به مناسبت روز جهانی کودک

به مناسبت هشتم اکتبر روز جهانی کودک، از سوی نهادهای مدافع حقوق کودک، نهادهای کارگری و بازنشستگان بیانیه های داده شد که این روز را با یاد کودکان و نوجوانانی که در جریان انقلاب زن زندگی آزادی بدست حکومت به قتل رسیدند، گرامی داشتند. یک نمونه آن بیانیه شورای بازنشستگان ایران است. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است: «به یاد کودکان و نوجوانانی که در جنبش زن زندگی آزادی و توسط حکومت به قتل رسیدند، کودکانی که زیر آوار خانه هایشان در افغانستان مانده اند، کودکانی که به دست حماسی ها و دولت اسرائیل کشته می شوند. کودکان بلوچستان همان کودکانی که ممکن است شناسنامه هم نداشته باشند، کودکان افغانی که اکثرشان در ایران حق ادامه تحصیل ندارند. امروز روز جهانی کودک است اما کودکان بسیاری از حق زندگی و شادی محرومند. روز جهانی کودک و کودکانی که در چنبره کودک همسری نیست و نابود می شوند. برچیده باد این ساختار.»

همچنین جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان بیانیه ای داده است و در بخشی از آن با اشاره به مصائب ناشی از حاکمیت سرمایه داری وحشی و سیستم بردگی مزدی چنین آمده است: «آنچه دنیا را برای اکثر کودکان ناامن و غیر قابل تحمل نموده است، سیستم اقتصادی حاکم که بر مبنای کارمزدی و استثمار اکثریتی عظیم توسط اقلیتی ناچیز ریشه دارد. دنیایی که حتی به کودکان نیز رحم نمی کند و برای کسب سود و ثروت، از شانها و دست های نزدیک به ۴۰۰ میلیون کودک بهره کشی می کند. بنیان همه این بی حقوقی ها اختلاف عمیق طبقاتی است که انسان ها و کودکان شان را بسان بردگان مدرن بدل کرده و از آنان بهره می کشد.»

در ادامه این بیانیه بر ابعاد فاجعه بار مشکلات معیشتی مردم اشاره شده و چنین آمده است: «فقر، گرسنگی، جنگ، پناهندگی، بیکاری و بی خانمانی، مهاجرت و فرودستی حاصل از آن، در یک کلام، شرایط زیستی غیرانسانی از جمله عواید نظامی است که به بالا دست و فرودست و به سرمایه دار و مزدبگیر تقسیم شده است. این ریشه را باید خشکاند. آنچه که در ایران با آن مواجه هستیم، گرانی و تورم از یک سو، حقوق های چند برابر زیر خط فقر و بیکاری گسترده از عمده دلایل مشکلات آحاد،

خانواده ها و کودکان است. آنچه که در ایران با آن مواجه هستیم، گرانی و تورم از یک سو، حقوق های چند برابر زیر خط فقر و بیکاری گسترده از عمده دلایل مشکلات آحاد، خانواده ها و کودکان است.»

سپس این بیانیه قاطعانه بر خواستهایی که همین امروز باید عملی شوند تاکید کرده و تحقق آنها را پایه ای ترین حقوق کودکان و گام های اولیه برای خروج کودکان از شرایط سخت و زیان باری که نخستین آن کار و بردگی مزدی است، تاکید میکند. این خواستها عبارتند از: پرداخت دستمزد مناسب برای تامین سبد معیشتی مکفی و تامین اجتماعی شامل بیمه های خدمات درمانی، از کار افتادگی و بیکاری و بیمه زنان خانه دار که خانواده ای ناگزیر نشود کودکش را راهی کار خیابان کند. حذف آموزش خصوصی و بالا بردن کیفیت آموزش و تحصیل برای همه کودکان فارغ از نژاد، ملیت، جنسیت و مذهب و به طور خلاصه تمامی اشکال تبعیض، تخصیص کمک هزینه آموزشی و تأمین تغذیه و بهداشت با کیفیت در چارچوب مدارس برای همه کودکان، احداث فضاهای مناسب و استاندارد (با همه امکانات ایمنی و بهداشتی) برای همه کودکان و در همه نقاط ایران و حذف فوری مدارس غیراستاندارد (کپری، کانکسی، مدارس نایمن و...)، تأمین و تضمین شرایط انسانی برای معلمان و کادر آموزشی در تمام نقاط ایران و به رسمیت شناختن حق تشکل های معلمان، حذف همه اجزاء و شرایطی که باعث آزار و تحمیل کودکان در مدارس می شود و به رسمیت شناختن «حق جامعه» برای نظارت بر امور آموزشی و تحصیلی کودکان، برسمیت شناختن «حق دخالتگری» (و نظارت بهینه سازمان های مرتبط به حقوق و منافع کودکان بر روند آموزشی، بهداشت و درمان، امور مددکاری و حقوقی کودکان در تمامی عرصه های جامعه، اعمال و تسری کنوانسیون ها و مقاله نامه ها از جمله «پیمان نامه جهانی حقوق کودک» (و تضمین و تأمین حقوق جهان شمول و منافع عالیه کودکان.

جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان در خاتمه همه فعالین مدافع حقوق کودک و دیگر عرصه های اجتماعی را برای پیگیری مطالبات اعلام شده در بیانیه خود به مناسبت روز جهانی کودک فراخوانده و تاکید کرده و مینویسد: «تلاش برای تأمین این حقوق به فوریت است؛ چرا که» همین امروز «هم به اندازه کافی دیر شده است.» بیانیه جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان بطور واقعی بیانیه ای است در جهت بسط بیانیه خواسته های حداقل بیست تشکل در عرصه دفاع از حقوق کودک. بیانیه ای که بطور واقعی پلاتفرم اتحاد مبارزاتی مردم در انقلاب زن زندگی آزادی است.

روز جهانی علیه اعدام

دهم اکتبر روز جهانی مبارزه علیه اعدام بود. به این مناسبت شعارهای بسیاری بر در دیوار شهرها علیه اعدام و حکومت اعدام و جنایت نقش بست. در این روز مدیای اجتماعی به محل گفتمان علیه اعدام و دادخواهی مردم علیه حکومت جنایتکار جمهوری اسلامی تبدیل شد. در همین راستا بیانیه های مختلفی با



از صفحه ۹

سه روز مهم اعتراضی ...

برافراشتن پرچم اعدام قتل دولتی است و در دفاع از بازداشت شدگانی که خطر اعدام بر روی سرشان است از سوی نهادهای مختلفی چون دادخواهان و دیگر نهادهای اجتماعی منتشر شد. برای مثال در بخشی از بیانیه دادخواهان چنین آمده است:

"اعدام به عنوان قتل عمد حکومتی، تنها برای سرکوب و مطیع کردن انسانها به کار می رود. ماشین خون آلود اعدام تنها زندگی را از یک انسان سلب نمی کند، بلکه علیه مردمی است که زندگی را حق خود می دانند." در بخش دیگری از این بیانیه با اشاره به قتل حکومتی انسانها طی چندین دهه سلطه حکومت اعدام، و جلو آمدن سیل دادخواهانی و قدرتمند تر شدن هر روز بیشتر این جنبش چنین آمده است:

"در ادامه همین روند در انقلاب "زن زندگی آزادی"، انقلابی که بر علیه تمام بساط ظلم و تبعیض و تحجر سربلند کرد، هفت تن از عزیزان ما را که تنها جرمشان فریاد زن زندگی آزادی بوده است را در برابر چشم های به خشم آمده در انقلابمان به دار آویختند تا بگویند که در شقاوت و پلیدی همانندی ندارند. محسن شکاری، مجیدرضا رهنورد، محمد حسینی، مهدی کرمی، سعید یعقوبی، صالح میرهاشمی، مجید کاظمی نام هفت انسان مبارزی است که نامشان بر پرچم دادخواهی و #انقلاب_مهسا_جاودانه است. ما دادخواهان به همراه همه مردم معترض از کردستان تا بلوچستان از گیلان و مازندران تا تهران و خوزستان، پاسخ مان تنها یک جمله بوده است: قسم به خون یاران ایستاده ایم تا پایان یک خواست همه ما مردم، لغو مجازات اعدام برای همیشه است. اینک در ۱۰ اکتبر روز جهانی مبارزه علیه اعدام صدای اعتراض مان را متحد کرده و علیه اعدام و مرگ و نیستی، اعتراض می کنیم."

در ادامه این بیانیه بر وجود انسانهایی که هم اکنون در مسلخ ها به انتظار اجرای حکم هستند اشاره کرده و فراخوانش بر تجمعات و اعتراضات سراسری مردمی برای توقف اعدام و تبدیل این روز جهانی به روز اعتراض سراسری علیه اعدام و سرکوب است. بیانیه ای که با هشتگ های # حکومت_اعدام_نمیخواهیم، #اعدام_قتل_عمد_حکومتی_است و #نه_میخشیم_نه_فراموش_میکنیم حرف آخرش را میزند.

در رابطه با این روز همچنین شورای بازنشستگان ایران طی بیانیه ای اعلام کرده و مینویسد: "اعدام خشونت آشکار علیه مردم برای مرعوب کردن جامعه است. اعدام، استتار و پنهان کردن مقصران اصلی در چشم مردمیست که خود قربانی سیستم نابرابر و یا معترضین به این ساختار پر از تبعیض هستند. مجازات اعدام وقیحانه ترین و کثیف ترین شکل قتل عمد است." جهان در دهه سوم قرن بیست و یکم دیگر چنین مجازات غیرانسانی را تحمل نمی کند. بشریت متمدن و مردم پیشرو علیه مجازات اعدام به صف شده اند!!"

به مناسبت روز جهانی علیه اعدام علاوه بر بیانیه های اعتراضی مردم در و دیوار شهرها با شعار "نه به اعدام"، "مرگ بر حکومت اعدام"، رنگین شد. بدینگونه این روز به روز دادخواهی مردم علیه حکومت اعدام و سرکوب تبدیل شد.

سیزده مهر روز جهانی معلم

سیزده مهر روز جهانی معلم بود. به این مناسبت معلمانی در شهر لنگرود گرد آمدند و با سخنرانی، شعر خوانی و یاد کردن از معلمان زندانی روز جهانی معلم را گرامی داشتند. همچنین در تهران تعدادی از اعضا و همراهان کانون صنفی معلمان در تهران برای گرامیداشت روز جهانی معلم (۱۳ مهر / ۵ اکتبر) مراسمی را برگزار کردند. فرزانه ناظران پور یکی از معلمان سخنران این مراسم بود. او در بیانی گویا بر آنچه که معلم به کودکان می آموزد اشاره کرده و سخنانش را با این جمله زیبا پایان داد: "معلم به تو فقط به تو می آموزد دلیل نوشتن را، آنگاه که بر تمام شهرها باید به رنگ سرخ، گویا و پر توان نگاشت زن زندگی آزادی". سخنان او با کف زدن شرکت

کنندگان همراه شد. از سوی دیگر معلمان بازنشسته نیز در تجمع هفتگی خود در روز سه شنبه با فریاد شعار معلم زندانی آزاد باید گردد روز جهانی معلم را گرامی داشتند. همچنین به این مناسبت از جانب کانونهای صنفی معلمان از شهرهای مختلف بیانیه هایی داده شد. این بیانیه ها محورهای مشترکی داشتند. در بیانیه های اعتراضی معلمان به مناسبت روز جهانی معلم بر اخراجها از جمله اخراج و بازخرید محمد حبیبی و دهها معلم دیگر و صدور احکام زندان برای معلمان و ادامه بازداشت آنها در زندانها اشاره شده و یک خواست فوری معلمان به این مناسبت آزادی بدون قید و شرط معلمان زندانی، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات، لغو احکام امنیتی صادر شده برای همکارانشان و همه فعالین سیاسی بود. در این بیانیه ها همچنین بر خواستهای معیشتی همچون افزایش حقوقها به بالای خط فقر سی میلیونی، درمان رایگان است اشاره شده و معلمان همچنان پرچم خواست تحصیل رایگان و با کیفیت و غیر ایدئولوژیک را برافراشته نگاه داشته و بر لغو خصوصی ها تاکید کرده اند.

نمونه ای از آن بیانیه کانون صنفی اسلامشهر است. در سر سخن این بیانیه چنین آمده است: "تبدیل مدرسه که محیطی امن و شاد بود، به محیطی بی روح و ایدئولوژی زده روان معلمان و دانش آموزان را مخدوش کرده و نارضایتی معلمان، دانش آموزان و اولیا را به بیشترین حد خود رسانده است. اما وزارت آموزش و پرورش به جای حل مشکلات پنجه خود را بر گلوئی معلمان و دانش آموزان گذاشته است." در ادامه این بیانیه بر تشدید فشارهای امنیتی بر روی معلمان و اخراج ها و دستگیریها تنها به جرم دفاع از حقوق دانش آموزان برای برخورداری از تحصیل رایگان و با کیفیت و اعتراض علیه فقر، تبعیض و بساط اختلاس و دزدی حاکم اشاره کرده و معلمان خواستار عدم دخالت نهادهای امنیتی و ایدئولوژیک در نظام آموزشی کشور است شده اند.

شورای بازنشستگان ایران نیز در بیانیه خود به این مناسبت با اشاره به سرکوبگری های حکومت به این مناسبت مینویسد: "۵ اکتبر مصادف با ۱۳ مهر" روز جهانی معلم" با اخراج و بازخرید محمد حبیبی، جعفر ابراهیمی و ده ها معلم مبارز دیگر توسط حکومت گرامی داشته شد!!! معلمینی که دغدغه معیشت دارند و نگرانیهای بیشمار خود را از کالایی و ایدئولوژیک شدن ساختار آموزشی فریاد زده اند، همواره مورد حمایت جامعه و همکاران خود خواهند بود. ترس حکومت از حضور اینچنین معلمانی در کنار دانش آموزان و خانواده هایشان بی سبب نیست چرا که معلم هم تحت همان تبعیضات و فشارهایی است که ۹۹ درصد جامعه با آن میچنگند. معلم رفاه و برابری و آزادی برای خود و جامعه اش را می طلبد و دقیقاً به همین دلیل است که سرکوب می شود و احکام پی در پی زندان و اخراج و بازخرید دریافت می کند. اما هنوز چند روز از سال تحصیلی نگذشته و صحنه های مقاومت و پیشروی دانش آموزان درخشیدن گرفته است و هیچگاه خاموش نخواهد شد چرا که: همه ایستاده ایم تا پایان."

بدینگونه در سه روز اعتراضی مهم جهانی، دادخواهان، معلمان، بازنشستگان، و بخش های مختلف جامعه با اکتفاهای اعتراضی و بیانیه های پرشورشان تداوم انقلاب را فریاد زدند.



تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی، فولاد، و کارگران شرکت نفت و گاز آغاچاری

ورشکسته"، "کشور پر در آمد چه بر سر تو آمد"، "حقوق نصفه نیمه، سکوت کنی همینه"، "نه مجلس، نه دولت نیستند به فکر ملت"، "دولت خیانت میکند، مجلس حمایت میکند"، "خواسته ما این زمان، معیشت است و

درمان"، "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست"، "همسانسازی کجا بود دروغ بود ربا بود"، "به دزدی عادت کردند، ما را بیچاره کردند"، "شش کلاسه دروغگو، حاصل وعده هات کو"، "دشمن ما همین جاست، دروغ میگن امریکاست"، "بازنشسته اتحاد، اتحاد"، "درمان رایگان، حق مسلم ماست".

بازنشستگان صدای اعتراض کل جامعه علیه فقر و فلاکت و بساط جهنمی جمهوری اسلامی را بازتاب میدهند و اعتراضات پیوسته و هفتگی آنها تاثیر بسیاری بر داغ نگاهداشتن فضای اعتراضات مردمی در شهرهای مختلف دارد. از این مبارزات باید وسیعاً حمایت و پشتیبانی کرد.

علاوه بر بازنشستگان در این روز کارگران رسمی شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری برای پیگیری مطالباتشان و در اعتراض به خلف وعده تجمع کردند. خواسته‌های فوری اعلام شده از سوی این کارگران عبارتند از: * حذف کامل سقف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، عودت کسورات مازاد مالیات سال‌های قبل و و اجرای کامل ماده ۱۰. اعتراضات در نفت گسترده است. با همین خواستها کارگران سکوهای نفتی جنوب دوشنبه های اعتراضی را اعلام کرده اند. حزب کمونیست کارگران ضمن حمایت از اعتراضات کارگران نفت بر پیوستن به دوشنبه های اعتراضی به عنوان بستری برای سراسری شدن اعتصابات در نفت تاکید دارد.

حزب کمونیست کارگری ایران-۲۳ مهر ۱۴۰۲، ۱۵ اکتبر ۲۰۲۳

تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی، فولاد، و کارگران شرکت نفت و گاز آغاچاری روز ۲۳ مهر ماه بازنشستگان تامین اجتماعی همچون یکشنبه های قبل از شهرهای مشهد، شوش، کرخه، هفت تپه، کرمانشاه و اهواز در اعتراض به فقر و گرانی و بساط چپاول و دزدی حاکم و برای پیگیری خواسته‌های معیشتی خود دست به تجمع زدند.

در اهواز بازنشستگان با شعارهای اعتراضی کوبنده خود و سر دادن سرود "زیر بار ستم نمیکنیم زندگی، جان فدا میکنیم در ره آزادی" دست به راهپیمایی زدند. در این تجمع اعتراضی بنری با نوشته "شاغل و بازنشسته اتحاد، اتحاد"، توجه ها را بخود جلب میکرد. با این شعار بازنشستگان پرچم اتحاد کارگری علیه بساط بردگی حاکم را بدست گرفته اند. در تجمع بازنشستگان کرمانشاه سه بنر با نوشته های معیشت، منزلت، حق مسلم ماست، "درمان رایگان" و "لشکری کشوری تامین اجتماعی اتحاد اتحاد" جلب توجه میکرد. در شوش بازنشستگان مثل هر هفته از سه شهر کرخه و هفت تپه و شوش با هم تجمع کردند و با راهپیمایی و فریاد شعارهایشان صحنه پرشوری از اعتراض شکل دادند. در این تجمع یکی از بازنشستگان به مناسبت چهلمین روز جانباختن تعدادی از کارگران معدن طزره، در ارتباط با قتل عام کارگران در محیطهای کار و حوادث کاری سخنرانی کرد و مراتب همدردی خود را با خانواده های جانباختگان معدن طزره اعلام داشت. در این روز همچنین بازنشستگان فولاد اصفهان و لووشان البرز غربی در گیلان در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان دست به تجمع زدند. درمان رایگان، همسانسازی حقوقها و افزایش سطح آنها، پرداخت معوقات سال ۱۴۰۰ از جمله خواسته‌های فوری آنهاست. در این تجمعات بازنشستگان شعار میدادند: "دولت ورشکسته، دشمن بازنشسته!" فقط کف خیابون، بدست میاد حقمون"، "بازنشسته به پا خیز برای رفع تبعیض"، "بازنشسته می میرد ذلت نمی پذیرد"، "تورم اسفبار حاکم شده تو بازار"، "گرانی تورم بالای جان مردم"، "دشمن بازنشسته، دولت

بشریت مترقی باید علیه هر دو طرف جنگ به میدان بیاید

پراکنی علیه مردم اسرائیل و خواست نابودی اسرائیل این معضل را عمیق تر و ریشه‌دارتر کرده‌اند.

تظاهرات‌هایی که در کشورهای مختلف در دفاع از یک طرف جنگ و یا علیه یک طرف جنگ جریان دارد نه مردم فلسطین را نمایندگی میکند نه مردم اسرائیل را. این تظاهرات‌ها تشویق یک طرف این تخاصم به ادامه جنگ و جنایت است. اکثریت عظیم مردم شریف دنیا تعلق به هیچ طرف این جنگ و مسابقه آدمکشی ندارند. بشریت مترقی، جبهه سوم، مردم آزاده، عدالت‌طلب و انساندوست جهان، اتحادیه‌های کارگری، سازمان‌ها، احزاب و فعالین مدافع حقوق انسان باید پرچم قطع فوری جنگ را بلند کنند و از مردم اسرائیل و فلسطین در مقابل حاکمان مرتجع و آدمکش آنها حمایت کنند. حضور فعال جبهه سوم نقش مهمی در پایان دادن به این جنگ کثیف و تغییر فضای خاورمیانه به نفع مردم ستمدیده و تشنه‌رهایی خواهد داشت. انقلاب زن زندگی آزادی در ایران سنگر مهمی در این جبهه سوم است. انقلابی که سر مار تروریسم اسلامی را نشانه گرفته و سرنگونی جمهوری اسلامی را در چشم‌انداز قرار داده است. پیروزی این انقلاب نقش مهمی در پایان دادن به جنگ و جنایت در خاورمیانه و از جمله حل مساله فلسطین خواهد داشت. همراه با شعار قطع فوری جنگ میان دولت اسرائیل و جریان‌های اسلامی، پرچم دفاع از انقلاب مردم ایران برای خرد کردن هیولای حاکم بر ایران را هم بلند کنید تا هم مردم ایران از جهنم موجود رها شوند و هم مردم منطقه زودتر از شر این تروریسم و طرف مقابل آن خلاصی یابند.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۲۲ مهر ۱۴۰۲، ۱۴ اکتبر ۲۰۲۳

جنگی تماماً ارتجاعی و ضد انسانی میان حماس و دولت اسرائیل در گرفته است. هر دو طرف با اهدافی ضد انسانی و با شیوه‌هایی ضد انسانی مردم بیدفاع را نشانه گرفته‌اند. نه حماس نماینده مردم محروم فلسطین است نه نتانیاهو و دولت اسرائیل نماینده مردم اسرائیل. جریان‌های دست راستی اسرائیلی و نیروهای فاشیست اسلامی هر دو به فضای کشاکش و جنگ نیاز دارند چون موجودیت آنها به این کشاکش گره خورده است. نتانیاهو نماینده مرتجع‌ترین بخش طبقه حاکم اسرائیل است که دهه‌ها است از هیچ ظلم و جنایتی علیه مردم فلسطین دریغ نکرده است و در مقابل جنایت حماس و با پشتیبانی دولت آمریکا و سایر دول غربی دست به بمباران و کشتار مردم

بیدفاع فلسطین زده است. دولت اسرائیل دست به کشتار مردم غزه زده و با بمباران غزه و قطع کلیه امکانات زندگی آنها را آواره کرده است. در طرف دیگر این جنگ جریان فوق ارتجاعی-اسلامی حماس است که با پشتیبانی مالی و تسلیحاتی یکی از منفورترین حکومت‌های جنایتکار یعنی جمهوری اسلامی به راحتی جوانان بیدفاع در یک جشنواره موسیقی را قتل عام میکند و در خود فلسطین نیز محرومیت و بیحقوقی تمام عیاری به اکثریت مردم بویژه زنان تحمیل کرده است. نه حماس و نه جمهوری اسلامی که ریاکارانه خود را مدافع مردم فلسطین اعلام میکند هیچکدام خواهان حل مساله فلسطین نیستند، اینها خود مانع جدی در حل این معضل تاریخی‌اند، و با نفرت



های شاغل در نفت است و میتواند به روز اتحاد مبارزاتی کارگران نفت در تمام مراکز نفتی تبدیل شود.

اعتصابات در صنعت نفت در این بخش کلیدی اقتصادی در دل شرایط ملتهب انقلابی جامعه بستر ساز اعتصابات سراسری در سطح جامعه است. از اعتراضات کارگران نفت وسیعاً حمایت کنیم و اخبار آنرا همه جا بازتاب دهیم.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۴ مهر ۱۴۰۲، ۱۶ اکتبر ۲۰۲۳

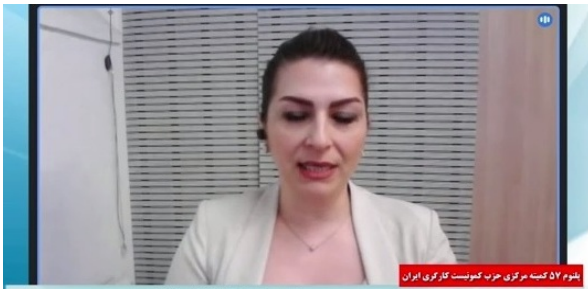
۲۴ مهر: تجمعات اعتراضی کارگران رسمی نفت

دوشنبه های اعتراض

امروز ۲۴ مهر کارگران رسمی وزارت نفت شاغل در سکویهای فروزان و بهرگانسر، شرکت نفت فلات قاره در راستای دوشنبه های اعتراضشان و برای پیگیری خواستههای خود دست به تجمع زدند. در همین رابطه کارگران رسمی نفت در شرکت بهره برداری نفت و گاز آغاجاری نیز تجمع داشتند. اعتراضات این کارگران همانطور که قبلاً گزارش کردیم به سقف حقوقها و کاهش سطح دریافتی هایشان، مالیاتهای سنگین و محدودیت ۳۰ ساله سنوات بازنشستگی علیرغم سنوات خدمت بیشتر و بعضاً کسورات بازنشستگی است. در همین راستا خواستههای فوری اعلام شده این کارگران عبارتند از: حذف سقف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی و برگرداندن کسورات مازاد مالیات است.

کارگران معترض با در دست داشتن دست نوشته هایی خواهشهایشان را اعلام داشتند. پیوستن بخش های مختلف صنعت نفت به دوشنبه های اعتراض یک قدم مهم در سراسری شدن اعتراضات در نفت است. این بسیار مهم است که با ایجاد شوراهای سازماندهی اعتراضات در تمام بخش های نفت به تدارک اعتراضات سراسری در نفت برویم.

اعتراضات در نفت گسترده است. دوشنبه های اعتراضی الگویی برای همه بخش



پیام پلنوم ۵۷ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری

به زنان ایران! زنانی که با به زیر پا انداختن حجاب و با بی حجابی سراسری، رژیم ضدزن اسلامی را بیش از هر زمانی مستاصل، و خامنه‌ای، رهبر در مانده آن را، در مانده تر کرده اند!

درود بر شما زنان تاریخساز ایران که با مقاومت بی وقفه و مبارزه هر روزه خود علیه حجاب، مسیر نابودی جمهوری اسلامی را هموار کرده اید!

درود بر شما زنان انقلابی که از همان ابتدا در برابر فرمان حجاب اجباری، در برابر قوانین و فرهنگ اسلامی، "نه" قاطع خود را اعلام کردید و نسل به نسل "سر خم قدغن" را معنا بخشیدید!

آرمیتا گراوند دختر ۱۶ ساله‌ای که به دلیل بی حجابی و نه قاطع به حجاب، هم اکنون در کما به سر می برد، نماد آشکار این واقعیت است که نه اولتیماتوم رادان از شنبه ۲۶ فروردین، نه تلاش مذبحانه برای بازگشت گشت ارشاد به خیابانها، نه سازماندهی هزاران حجاب بان در مترو، نه لباس شخصی و نه بسیج و نه آمرین به معروف و ناهیان از منکر، و نه لایحه سرتاسر ضد زن حجاب و عفاف که از قوه قضائیه به دولت و به مجلس اسلامی و به شورای نگهبان راه یافته، نتوانست و هرگز نمی تواند زنان ایران و انقلاب زن زندگی آزادی را، در برابر حکومتی ضد زن و تا دندان مسلح تسلیم کند.

به همت مبارزه بی وقفه شما زنان انقلابی ایران، و بر پایه بیش از چهار دهه مبارزه جانانه در جامعه علیه حجاب، و با وقوع انقلاب زن زندگی آزادی است که خاکریز حجاب از دست جمهوری اسلامی خارج شده است. این شما زنان از تهران تا کردستان، از شمال تا جنوب، از شرق تا غرب، بوده اید که با آتشی که در روزهای داغ انقلاب به حجاب، به این سند بردگی زن، به نماد آپارتاید جنسیتی، به نماد اسلامی سیاسی می زدید، بند بند رژیم اسلامی را سوزانده اید؛ و اینگونه است حکومتی که با حجاب سر کار آمده، هم اکنون با از دست دادن خاکریز حجاب، روی پله آخر سرنگونی شمارش معکوس میکند و تلاش دارد با تکرار جنایت علیه زنان، تلاش

میکند زمان را به عقب برگرداند. اما آنچه آشکار است در جنگی تمام عیار که رژیم اسلامی با شما زنان به راه انداخته، با مقاومت بی مثال، با جسارت و شجاعتی که هر لحظه تکثیر میشود، با انقلابی گری شما و با عزم جزم و راسخ شما برای سرنگونی حکومت اسلامی مواجه است.

هم اکنون در هر گوشه‌ای از جهان، از رسانه ها تا نمایندگان دولتها تا مجامع بین المللی، از مبارزه زنان ایران و «اولین انقلاب زنانه تاریخ بشریت» می گویند، جمهوری اسلامی را از کمیسیون مقام زن سازمان ملل اخراج میکنند، جایزه صلح نوبل را با شعار زن زندگی آزادی به نرگس محمدی میدهند که همه اینها نشان می دهد صدای آزادیخواهی و برابری طلبی زنان ایران، و «نه» قاطع شما به حجاب و عفاف، «نه» محکم شما به رژیم اسلامی و به اسلام سیاسی که در لحظه لحظه انقلاب بلند شد، و در سند برآمده از انقلاب تحت عنوان "منشور مطالبات پیشرو زنان ایران" نمایان شد، شنیده شده است.

شما زنان تاریخساز با نابود کردن حجاب، پایه های محکم نابودی رژیم اسلامی در ایران، بلکه حتی الهام بخش مبارزه برای نابودی اسلام سیاسی در خاورمیانه هستید!

نه به حجاب و عفاف، نابود باد آپارتاید جنسیتی

نابود باد حکومت اسلامی در ایران و هر حکومت اسلامی دیگر

نابود باد اسلام سیاسی

پیروز باد انقلاب زن زندگی آزادی

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران - ۱۶ مهر ۱۴۰۲، ۸ اکتبر ۲۰۲۳

کارگران در هفته ای که گذشت

تنظیم کننده: سهیلا رضوانی

روز دوشنبه ۱۷ مهر ماه ۱۴۰۲



درب این کانون تجمع کرده و با فریاد شعارهای اعتراضی خود صحنه پرشوری از اعتراض آفریدند.

روز پنجشنبه ۲۰ مهرماه ۱۴۰۲

سه هزار قرقبان جنگل‌های مازندران یک ماه و نیم است که حقوق‌شان را دریافت نکرده‌اند. علی‌اکبر علوی‌نژاد، نماینده کارگران شرکت تعاونی جنگل‌های نقی ده مزده؛ گفته که قرار بود این هفته معوقات مزدی پرداخت شود اما به دلیل اینکه؛ بودجه به حساب سازمان جنگل‌ها و اریز نشده؛ مقدمات کار فراهم نیست. بدین ترتیب مرتباً این کارگران را سر می‌دوانند. کارگران خواست پرداخت فوری طلب‌هایشان هستند. در یک مجتمع ساختمانی در حال ساخت در تهران یک کارگر حدود ۵۰ ساله با هویت "صدیق شانازی" اهل روستای چاپان علیا از توابع سقز حین انجام کار از ارتفاع ساختمان سقوط کرد و جان خود را از دست داد. کارگران ساختمانی بدلیل عدم ایمنی محیط کار و فشار سنگین کاری بیشتر آمار صدمات ناشی از کار را بخود اختصاص می‌دهند.

روز جمعه ۲۱ مهرماه ۱۴۰۲

- شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری دو آستانه اشرفیه پیمان فرهنگیان، شاعر و فعال کارگری را به یکسال حبس محکوم کرد. این حکم توسط وکیل مدافع او حسین تاج به وی ابلاغ شده است. بر اساس رای دادگاه درباره اتهام "تبلیغ علیه نظام" حکم صادره قبلی که یکسال حبس تعزیری، دو سال تبعید به شهرستان زابل و دو سال ممنوعیت خروج از کشور می‌باشد، عیناً تأیید شده است. علاوه بر حکم تعزیری صادره احتمال اجرای احکام تعلیقی پیشین پیمان فرهنگیان وجود دارد.

- کارگری در شهر بروجن استان چهارمحال بختیاری در حین کار در یک ساختمان در حال ساخت از ارتفاع چاله آسانسور روی زمین سقوط و بلافاصله جان خود را از دست داد. جانباختن این کارگر را به خانواده اش و همکارانش تسلیت می‌گوییم.

- دو نفر از کارگران شرکت پالایش گاز پارسیان حین انجام کار تعمیر فلر (مشعل) واحد ۵۰۰ به دلیل انفجار از ارتفاع داربست سقوط کردند. بنا بر گزارشات یکی از این کارگران به نام "فرشاد رضانی" اهل شهرستان بروجن استان چهارمحال بختیاری قبل از حضور امدادگران جان خود را از دست داد و کارگر دیگر که مصدوم شده بود به بیمارستان انتقال یافت. درگذشت فرشاد رضانی را به خانواده اش تسلیت می‌گوییم.

- جمع کثیری از کارکنان ارکان ثالث در پالایشگاه آبادان در ادامه اعتراضاتشان محل نماز جمعه آبادان را به صحنه اعتراض خود تبدیل کرده و خواستهای اعتراضی خود را اعلام کردند.

روز شنبه ۲۲ مهرماه ۱۴۰۲

- مهدی فتحی، فعال صنفی معلمان محبوس در زندان عادل آباد شیراز، در اعتراض به

- بازنشستگان مخابرات استانهای خوزستان، کرمانشاه، مازندران، تهران، ایلام، لرستان، اردبیل، اصفهان، استان مرکزی، آذربایجان غربی، گیلان، زنجان، کردستان، سیستان و بلوچستان و استان هرمزگان در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان دست تجمع کرده و در برخی شهرها دست به راهپیمایی زدند. اجرای کامل آئین نامه پرسنلی و استخدامی سال ۸۹ و رفع مشکلات بیمه درمانی دو خواست فوری این بازنشستگان است. این بازنشستگان برای پیگیری خواستهایشان هر هفته در مقابل مخابرات تجمع میکنند.

- کارکنان رسمی نفت در سکوی ابوذر و منطقه خارک در اعتراض به سقف حقوق ناعادلانه، کسر مالیاتهای سنگین و محدودیت ۳۰ ساله سنوات بازنشستگی علیرغم سنوات خدمت بیشتر و بعضاً کسورات بازنشستگی بیش از ۴۰ سال از دریافتی هایشان تجمع کردند. این کارگران اعلام کرده اند که تا وقتی به خواستهایشان پاسخ داده نشود هر دوشنبه تجمع خواهند کرد.

- بر اثر برخورد دو خودرو حامل کارگران معدن سنگ آهن گل گهر، یک کارگر جان باخت و ۷ نفر دیگر دچار حادثه شدند. همچنین در پی آتش سوزی گسترده یک کارگاه تولید کیف و کفش، در محله "حبیب ابن مظاهر" شهر گلستان واقع در جنوب غرب استان تهران، یک نفر از کارگران دچار حادثه شد. عدم ایمنی محیط کار هر روزه از کارگران قربانی می‌گیرد.

روز سه شنبه ۱۸ مهرماه ۱۴۰۲

- بازنشستگان کشوری در استانهای خوزستان، کرمانشاه، کردستان، قزوین و همدان در اعتراض به فقر و گرانی و عدم رسیدگی به مطالباتشان از جمله اجرای همسان سازی و رفع مشکلات بیمه درمانی خود، همچون سه شنبه های هر هفته دست به تجمع زدند.

- نوروزعلی رشیدنژاد، از معلمین معترض شهر یاسوج به دادگاه انقلاب فراخوانده شده است. او در اردیبهشت سال ۱۴۰۰ نیز پس از احضار تلفنی توسط اطلاعات سپاه بازداشت شده بودند که به قید وثیقه آزاد شد. همچنین در این روز محسن عمرانی از اعضای هیات مدیره کانون صنفی بوشهر بار دیگر به دادگاه انقلاب احضار شد. یک کارزار مهم مبارزاتی معلمان علیه امنیتی کردن مبارزات احضارها و حکم دادن ها و برای آزادی همکاران دربندشان است.

- طبق اخبار منتشر شده، ساعت ۳/۲۵ بامداد هجدهم مهر ماه بر اثر انفجار گاز در پالایشگاه گاز ایلام دو کارگر پیمانکاری از ارتفاع پرتاب و روانه بیمارستان شدند. یک خواست فوری کارگران در نفت ایمن شدن محیط های کاری برابر با استانداردهای علمی و قابل قبول است.

- کارگران کارخانه "رویا پلاستیک کردستان" واقع در شهرک صنعتی شماره یک سنندج دست به اعتصاب زدند. این کارگران که حدود ۱۵۰ نفر می باشند حدود ۲۰ سال است که با ۱۲ ساعت کار در روز با دستمزد کمتر از حداقل مصوب قانون کار و بدون دریافت هیچ مزایایی کار می کنند.

روز چهارشنبه ۱۹ مهرماه ۱۴۰۲

- بازنشستگان تامین اجتماعی اهواز در ادامه پیگیری خواست های معیشتی و در اعتراض به نا کار آمدی و فساد کانون دولتی بازنشستگان و علیه سرکوبگریها مقابل

۲۴ مهر: تجمعات اعتراضی بازنشستگان مخابرات در هفده شهر

شاغل و بازنشسته اتحاد

روز ۲۴ مهر بازنشستگان مخابرات همانند دوشنبه های هر هفته در اعتراض به فقر و بی تامين و عدم اجرای کامل آیین نامه پرسنلی و استخدامی سال ۸۹ و مشکلات بیمه ای خود در چندین شهر تجمع کردند. این تجمعات در هفده شهر رشت، اهواز، کرمانشاه، صحنه، ساری، همدان، بندرعباس، کرمان، ارومیه، زنجان، سنندج، شیراز، اردبیل، ایلام، تبریز، خرم آباد، تهران برگزار شد.

در این تجمعات بازنشستگان شعار میدادند: "وزیر بی لیاقت استعفا، استعفا"، "مدیر بی لیاقت ننگت باد، ننگت باد"، سهامدار عمده حق ماها را خورده"، "اجرای آیین نامه حق مسلم ماست"، "شرکت پر درآمد، چه بر سر تو آمد"، "وعده وعید کافیه، ما عمر نوح نداریم"، و "بازنشسته می میرد، ذلت نمی پذیرد".

در کرمانشاه و اهواز بازنشستگان با تجمع و راهپیمایی و سردادن شعار "شرکت پر درآمد چه بر سر تو آمد" اعتراض خود را به اختلاس ها و دزدیها و وضع بد معیشتی خود اعلام داشتند. در زنجان بازنشستگان با فریاد شاغل و بازنشسته اتحاد، جمعیت میلیونی کارگران را به اتحاد علیه فقر و فساد فراخوندند و این یک شعار مهم و کلیدی در اعتراضات بازنشستگان است.

روز گذشته همچنین تجمعات سراسری بازنشستگان تامين اجتماعی برگزار شد. علاوه بر شهرهایی که در اطلاعیه قبلی گزارش کردیم در این روز بازنشستگان تامين اجتماعی در اراک و دزفول نیز تجمع داشتند. در اراک بازنشستگان با سر دادن سرود "زیر بار ستم نمیکنیم زندگی، جان فدا میکنیم در ره آزادی، وای از این ظلم" فریاد اعتراض خود را علیه بساط توحش و بردگی حاکم بلند کردند.

خبر دیگر مربوط به تجمع کارگران کارخانه کیان تایر در روز گذشته ۲۳ مهر ماه در اعتراض به وضع بد معیشتی و مطالبات معوقه خود است. در این حرکت اعتراضی کارگران در محوطه کارخانه تجمع کرده و لاستیک آتش زدند و با شعار "فلسطین را رها کن، فکری به حال ما کن" پاسخ محکمی به تبلیغات حکومتی دادند.

حزب کمونیست کارگری ایران-۲۴ مهر ۱۴۰۲، ۱۶ اکتبر ۲۰۲۳

زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی!

ما مردم با عزم و جسارت به کف خیابان آمده ایم تا کار را تمام کنیم. انقلابمان را تا به آخر ادامه خواهیم داد. تا رسیدن به جامعه ای که در آن نیکاه و سارینها و جوادهایمان دیگر قربانی نشوند و تک تک دختران و پسران و زنان و مردان بدون دغدغه زندان و اعدام و محرومیت و فقر، در امنیت و رفاه و آرامش بگویند و بخندند و برقصند و شادی و زندگی کنند.

دیوهای متحجر از گوربرخاسته را به گورهای تاریخ بازخواهیم گرداند. سلطه دستگاه خونخوار و منحط مذهب و مافیای سرمایه داری را از صحنه جامعه برخواهیم چید. ما زنان، جوانان، دانشجویان، کارگران، معلمان، بازنشستگان، و تک تک انسانهای معترض و ستمدیده بپاخاسته ایم و راهمان را تا به آخر ادامه خواهیم داد. دست در دست هم تا رسیدن به آرزوهای انسانی ای که همه ما مردم میلیونی با تمام وجود دنبال میکنیم، به پیش خواهیم رفت. راه دیگری مقابل ما نیست. کوتاه نخواهیم آمد. شعار زیبای «زن زندگی آزادی» را بر پرچم جامعه نوین و انسانی مان نقش خواهیم کرد. زنده باد زن زندگی آزادی!

کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

شهریور ۱۴۰۲

کارگران در هفته ای که گذشت...

عدم رسیدگی به مطالبات خود دست به اعتصاب زد.

روزیکشنبه ۲۳ مهرماه ۱۴۰۲

- کارکنان شرکت بهره برداری نفت و گاز آغاچری مقابل ساختمان این شرکت در اعتراض به سقف حقوق تعیین شدن و کسر مالیات های سنگین از حقوقهایشان و نیز برای پیگیری دیگر مطالباتشان دست به اعتراض زده و خواستار مطالباتشان شدند.

- بازنشستگان تامين اجتماعی شهرهای شوش، کرمانشاه، فولاد اصفهان، فولاد البرز غربی، مشهد، اهواز، اراک و دزفول در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به خواسته هایشان مجدداً مقابل فرمانداری این شهرها دست به تجمع زدند.

- ابوالفضل رحیمی شاد از معلمان معترض از سوی هیات تخلفات وزارت آموزش و پرورش به بازنشستگی اجباری و تقلیل گروه محکوم شد. بیشتر هیات تخلفات بدوی تهران حکم بازخرید و انفصال آقای رحیمی شاد را صادر کرده بود.

- بنابر خبر منتشره از سوی کانال شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، مراد مسعودنیا معلم بلوچستانی با تیراندازی افراد مسلح ناشناس در نیکشهر به قتل رسیده است. همچنین مراد مسعودنیا فرزند اشرف معلم بلوچستانی، متاهل و دارای فرزند اهل روستای نیکوجهان از توابع شهرستان نیکشهر با تیراندازی افراد مسلح ناشناس قتل رسیده است. این تیراندازی ها بخشی از فضای امنیتی در استان سیستان و بلوچستان از سوی حکومت است. اعتراضات مردمی در زاهدان این کانون داغ انقلاب ادامه دارد و جمعه این هفت نیز تجمع داشتند.

- منصوره عرفانیان از معلمان معترض در استان خراسان که در زندان وکیل آباد مشهد بازداشت شده بود ۲۳ مهرماه با قید وثیقه آزاد شد. آزادی او را تبریک میگوییم. پرونده امنیتی تشکیل شده برای منصور عرفانیان و همه فعالین سیاسی مسدود شود.

درگذشت یک همکار ما در حادثه انفجار پالایشگاه پارسیان، یادش گرامی باد.

درگذشت این همکار عزیز را به خانواده ایشان و سایر همکاران تسلیت میگوییم. بنا بر اخبار صبح امروز ۲۱ مهر در پی تعمیرات اساسی (اورهال) پالایشگاه گاز پارسیان شهرستان مَهر، فلر واحد ۵۰۰ که برای تعمیرات اساسی از سرویس خارج بوده در حین جوشکاری دچار انفجار شده و یکی از همکاران اورهالی از ارتفاع به پایین پرتاب و دچار آسیب شد و جان خود را از دست داد. بدینگونه بار دیگر کارگری قربانی محیط کار شد.

متأسفانه این گونه اخبار همواره بواسطه ملاحظات امنیتی و سیاستهای نادرست از قبیل احتمال زیر سؤال رفتن ایمنی محیط کار و اخلال در استانداردهای ایزو سیستمهای بهره برداری نفت و گاز توسط مدیران و پیمانکاران پروژه ها سانسور گردیده و بنا بر تجارب حوادث مشابه پیش از این، تا لحظه انتشار این خبر علیرغم سفر وزیر نفت به پالایشگاه مذکور، واحد مربوطه از واکنش به آن امتناع نموده انتشار خبر بجز در محدود رسانه های محلی تحت سانسور قرار گرفته بازم بیانگر بی ارزشی جان انسانها در قبال حفظ شرایط تولید و سرمایه است!

انفجار در مراکز نفتی، بویژه در شرایط اورهال بدلیل عدم ایمنی محیط های کار پر خطر نفت همواره قربانی میگردد.

بدین ترتیب یک خواست فوری و سراسری ما کارگران نفت ایمن شدن محیط های کار با بالاترین استانداردهای علمی و به روز است. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث) برگرفته از مدیای اجتماعی



تجمعات بازنشستگان کشوری در چند شهر و دو خبر دیگر کشور را غارت کردند ما را بیچاره کردند

اعلام کرده اند که هفته آینده نیز دوباره تجمع خواهند داشت. در این تجمع اعتراضی کارگران شعار میدادند: "کارگر داد بزن حق تو فریاد بزن".
آخرین خبر مربوط به اعتصاب و تجمع کارگران آبفای شوشتر خوزستان در اعتراض به عدم پرداخت ۵ ماه حقوق و دو ماه و نیم حق بیمه شان است. این کارگران در شهر اهواز تجمع و اعتراض کردند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۸ مهر ۱۴۰۲، ۱۰ اکتبر ۲۰۲۳

روز ۱۸ مهر بازنشستگان کشوری شامل بازنشستگان و بخشهای دیگر کارکنان بازنشسته، همچون سه شنبه های قبل و برای پیگیری خواستههایشان در شهرهای اهواز، سنندج، همدان، قزوین و کرمانشاه تجمع کردند. در این تجمعات بنری با نوشته "معلم زندانی آزاد باید گردد" قابل توجه بود. شعارهای بازنشستگان در این تجمعات از جمله عبارت بودند از: "منزلت، معیشت، سلامت حق مسلم ماست"، "وعده و وعید چه خوب بود ولی همش دروغ بود"، "نه وعده، نه بازی، اجرای همسان سازی"، "نه مجلس، نه دولت، نیستند به فکر ملت"، "فقط کف خیابون، بدست میاد حقمون"، و "کو مهار تورم، دروغ نگیان به مردم".
تجمع اعتراضی دیگر در این روز از سوی جمعی از کارگران مشاغل سخت و زیان آور در اعتراض به برنامه هفتم توسعه و حذف سنوات ارفاقی کارگران در مشاغل سخت و زیان آور در مقابل ساختمان تامین اجتماعی انجام گرفت. بنا بر این قانون سن بازنشستگی برای مشاغل سخت و زیان آور افزایش می یابد و این بازی با جان کارگر است. این کارگران برای چندمین بار است که در این رابطه تجمع میکنند و

پیام پلنوم ۵۷ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری به زندانیان سیاسی و خانواده های آنها



اعتصاب دادید. شما شایسته بهترین احترام ها و حمایت ها هستید.
صدای اعتراض شما زندانیان سیاسی و خانواده ها از مرزها عبور کرده و توجه میلیونها نفر را به احکام اعدام و شکنجه های زندان جلب کرده است تا جایی که صدها نماینده پارلمان کشورهای اروپایی کفیل سیاسی زندانیان شده اند و در اقصا نقاط جهان، اتحادیه ها، انجمن ها و شخصیت های شناخته شده هنری و ورزشی برای آزادی زندانیان سیاسی و لغو احکام اعدام دست به اعتراض زده اند.
شما شجاعت و مقاومت را در تار و پود جامعه تکثیر کرده اید و مشعل مبارزه برای یک دنیای آزاد و انسانی را زنده نگه داشته اید. نامتان در تاریخ و قلب تمام نسل ها ثبت خواهد شد.

پلنوم پنجاه و هفت کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران ضمن گرامیداشت یاد جانبختگان انقلاب زن، زندگی، آزادی، به شما زندانیان سیاسی و خانواده های آنان درود می فرستد و اعلام می کند که حزب کمونیست کارگری همچنان تمام امکانات و تلاش خود را جهت تقویت جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی و جنبش دادخواهی به کار خواهد گرفت.

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران
۱۵ مهر ۱۴۰۲، ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳

در انقلاب زن، زندگی، آزادی صدای شما زندانیان سیاسی شجاع همچنان در ایران و جهان طنین افکن است.
در طول ۴۴ سال حاکمیت رژیم اسلامی، زندان و شکنجه و اعدام تنها سلاح رژیم برای مقابله با اعتراضات بوده است. در طول یکسال اخیر رژیم از وحشت انقلاب زن زندگی آزادی، دهها هزار نفر را دستگیر و مورد وحشیانه ترین شکنجه های جسمی، روحی، جنسی و دارویی قرار داده است. دهها نفر را به اعدام محکوم کرده است و تعدادی را اعدام کرده است. اما علیرغم شدیدترین سرکوبها، رژیم از خاموش کردن انقلاب و اعتراضات جاری ناتوان است.
در این دوره شما زندانیان سیاسی و خانواده های آنان تحت شدیدترین شکنجه ها و تهدیدها قرار گرفته اما ساکت نماندید.

شما زندانیان سیاسی در زیر تیغ اعدام و تحت شکنجه حتی در زندان دست به اعتراض زده و به مردم فراخوان دادید که در خیابانها بمانند. در خیابانها مردم علیه احکام اعدام اعتراض میکنند و شما برای جلوگیری از اعدام همبندان دست به اعتراض و تحصن و اعتصاب میزنید. در حالی که زنان شجاعانه در خیابانها با بی حجابی سراسری رژیم را به زانو درآورده اند، شما زنان شجاع زندانی در زندان اوین حجابها را به آتش کشیدید، در بیدادگاه های رژیم بدون حجاب ظاهر شدید و پس از آزادی، در مقابل زندان روسری را از سر برداشته و شعار زن، زندگی، آزادی سر دادید.

شما زندانیان سیاسی الگو و سمبل مقاومت و شجاعت در جامعه هستید و جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی، و جنبش دادخواهی که بخش مهم و موثری در انقلاب زن، زندگی، آزادی است را به امر کل جامعه تبدیل کردید.

خانواده های عزیز زندانیان سیاسی، خانواده های عزیز جانبختگان، شما نیروی مهم و کلیدی در این انقلاب هستید و بارها مقاومت و ایستادگی را به جامعه آموختید. علیرغم تهدیدات شدید رژیم، در سالگرد قتل ژینا مهسا امینی فراخوان به اعتراض و اعتصاب دادید و در بلوچستان در سالگرد جمعه خونین زاهدان فراخوان به

تجمع اعتراضی کارگران ارکان ثالث در پالایشگاه آبادان



روز ۱۷ مهر کارگران ارکان ثالث پالایشگاه نفت آبادان، دست به تجمع و اعتراض زدند. تجمع این کارگران در اعتراض به نداشتن امنیت شغلی و معیشتی صورت گرفت. حذف شرکتهای پیمانکاری و واسطه تامین نیروی کار یک خواست مهم این کارگران است. به گفته کارگران در پالایشگاه آبادان حدود چهار هزار کارگر به صورت پیمانکاری مشغول به کارند و به دزدیده شدن بخش مهمی از حقوقشان توسط پیمانکاران و شرایط برده وار کار پیمانی و قراردادهای موقت و نداشتن امنیت شغلی اعتراض دارند.

مطالبات فوری دیگر این کارگران عبارتند از: تسریع در تخصیص کارت نفت/گاز از ابتدای سال ۱۴۰۲، اجازه استفاده از مهمانسراها، باشگاه های غذاخوری و خدمات رفاهی اجتماعی برای همه کارگران، و اصلاح طرح طبقه بندی مشاغل و تعمیم آن از آغاز سال ۱۴۰۲ و پرداخت معوقات.

خواستههای طرح شده توسط کارگران ارکان ثالث خواستههایی سراسری در نفت است. حذف شرکتهای پیمانکاری که انگلهای محیط کار هستند، افزایش حقوقها و ایمنی شغلی خواستههای همه کارگران در نفت است. زیر فشار اعتراضات بخش های مختلف کارگران شاغل در نفت چندین سال است که از سوی دولت وعده خروج پیمانکاران از نفت داده شده است. اما تاکنون اقدامی جدی صورت نگرفته است.

هم اکنون اعتراضات در نفت گسترده است. کارگران رسمی سکوهای نفتی دوشنبه های اعتراض را اعلام کرده اند و روز گذشته در سکوهای نفتی ابودر و منطقه خارک تجمع داشتند. اعتراضات این کارگران همانطور که قبلا گزارش کردیم به سقف حقوق ناعادلانه، مالیاتهای سنگین و محدودیت ۳۰ساله ای سنوات بازنشستگی علیرغم سنوات خدمت بیشتر و بعضا کسورات بازنشستگی است. پیوستن بخش های مختلف صنعت نفت به دوشنبه های اعتراض یک قدم مهم در

سراسری شدن اعتراضات در نفت است. این بسیار مهم است که با ایجاد شوراهای سازماندهی اعتراضات در تمام بخش های نفت به تدارک اعتراضات سراسری در نفت برویم.

اعتصابات در صنعت نفت در این بخش کلیدی اقتصادی در دل شرایط ملتهب انقلابی جامعه بستر ساز اعتصابات سراسری در سطح جامعه است. از اعتراضات کارگران نفت وسیعا حمایت کنیم و اخبار آنها همه جا بازتاب دهیم.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۸ مهر ۱۴۰۲، ۱۰ اکتبر ۲۰۲۳

تجمع اعتراضی دیگری از همکاران ارکان ثالث ما در پالایشگاه آبادان

امروز ۲۱ مهر جمع کثیری از همکاران ارکان ثالث ما در پالایشگاه آبادان در ادامه مطالبه گری خود در محل نماز جمعه آبادان جمع شدند و خواستههای اعتراضی خود را اعلام کردند.

در این تجمع اعتراضی برنهایی از سوی همکاران در رابطه با خواسته های مختلف از جمله حذف کامل پیمانکاران بدست گرفته شده بود.

مطالبه اصلی ما کارگران ارکان ثالث، حذف شرکتهای پیمانکاری تامین نیروی انسانی است که بارها در مناسبت های مختلف این مطالبه را اعلام کرده ایم. باید در برابر کار یکسان به همه کارگران رسمی و غیر رسمی مزد مساوی پرداخت شود و همه از امکانات رفاهی واحد و برابری برخوردار باشند.

با پیگیری های کارگران وعده خروج پیمانکاران داده شده بود، اما همچنان به آن عمل نشده است. اکنون اعتراض و مطالبه تعداد زیادی از همکاران ارکان ثالثی ما در پالایشگاه آبادان اجرائی شدن این مطالبه دیرین است.

گفتنی است که یک گفتمان در میان حکومت این بود که پیمانکاران حذف شوند و به جای آنها قرارگاه خاتم وارد مراکز نفتی شود و همانموقع همکاران ما در نفت اعلام داشتند که ما زیر بار کار برده واری تحت مسئولیت هیچکدام از این دو باند مافیایی نمیرویم و قراردادهای ما باید مستقیم با نفت بسته شوند.

مطالبه دیگر همکاران ارکان ثالث ما اجرای طرح دقیق طبقه بندی مشاغل و



محاسبه آن از ابتدای سال ۱۴۰۲ است که با این کار مبلغی به دستمزدها اضافه میشود. اما انجام این مطالبه در پیچ و خم های اداری گیر کرده است.

و بالاخره مطالبه بعدی همکاران ما از وزارت نفت اعطای وام کم بهره به کارگران ارکان ثالث است. در موضوع سوم نیز شرکت کارکنان ارکان ثالث در تعاونی مسکن کارکنان وزارت نفت عنوان گردید.

در انتهای نماز جمعه راهپیمایی ای تحت عنوان "حمایت از مردم غزه" به راه افتاد. اما حرف ما کارگران اینست که جنگ خونینی که یکطرف آن دولت اسرائیل و طرف دیگرش حماس و دیگر نیروهای ارتجاعی هستند ربطی به مردم فلسطین ندارد. مردم چه در غزه و چه در اسرائیل قربانیان این جنگند. جنگ باید متوقف شود.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث)
۲۱ مهر ماه ۱۴۰۲ (برگرفته از مدیای اجتماعی)